

## پردازش الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

محسن اسلامی<sup>۲</sup>

محمد داوند<sup>۳\*</sup>

محمد حسین جمشیدی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲

۲۲۱



### چکیده

پس از انقلاب اسلامی، روابط دو کشور عربستان و ایران سرشار از «تنش»، «منازعه» و «تهدید»‌های فراوان بوده است. نویسنده معتقد است که کاربست یک نظریه خاص برای تحلیل تهدیدات عربستان کارایی ندارد و در این ارتباط قائل به پردازش الگوی امنیت راهبردی است. لذا این پرسش مطرح است که تهدیدات عربستان علیه ایران بر پایه الگوی امنیت راهبردی چگونه قابل تجزیه و تحلیل اند؟ پاسخ به سؤال مطروحه در قالب فرضیه پژوهش، این خواهد بود که الگوی امنیت راهبردی از این کارکرد برخوردار است که تهدیدات عربستان علیه ایران را تحلیل نموده و راهبردهایی جهت کاهش آنها ارائه کند. این الگو، نظام نومحافظه‌کاری را اصلی‌ترین عامل تحریک‌کننده تهدیدات فوق تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش مبتنی بر روش قیاسی نشان می‌دهد که در حوزه تهدیدات منطقه‌ای، عربستان در قالب اتحاد با نظام نومحافظه‌کاری، سعی در تضعیف قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا را دارد. در بخش تهدیدات اقتصادی، به تناسب اینکه اقتصاد عربستان در شیوه انباشت اقتصاد نظام نومحافظه‌کاری (پسا فوردیستی) ادغام شود، تهدیدات آن شدت بیشتری پیدا خواهد نمود. در حوزه تهدیدات سایبری، عربستان و هم‌پیمانان آن سعی در امنیتی ساختن گفتمان سایبری ایران را دارند و در حوزه تهدیدات فرهنگی، عربستان در چارچوب نظام نومحافظه‌کاری راهبرد فرهنگی «احیای اسلامی» ایران را به دلیل سرایت امواج مردمسالاری به جامعه خود، مورد حمله قرار می‌دهد. الگوی امنیت راهبردی برای هر یک از حوزه‌های تهدیدآفرین مزبور راهبردهایی ارائه نموده که مخرج مشترک آنها پیوند جامعه دانشگاهی ایران با مراکز حاکمیتی است.

**واژگان کلیدی:** ایران، عربستان، نظام نومحافظه‌کاری، الگوی امنیت راهبردی، راهبرد

۱. «این مقاله مستخرج از رساله دکتری و مورد پشتیبانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور است.»

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران

۳. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

\* نویسنده مسئول: Davand@modares.ac.ir

۴. دانشیار روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران

پس از انقلاب اسلامی، مجامع قدرت و اندیشه‌ورزی در جهان محافظه‌کار سکولار، الگوی حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران را بدیلی پرخطر برای ایجاد و اشاعه تجدید نظرطلبی در ساختار نظام بین‌الملل، ارزیابی نموده‌اند. برای نمونه، ناگواری انقلاب اسلامی برای سیاستمداران آمریکایی تا حدی است که آنها دولت ایران را از ابتدای تأسیس، با عباراتی همچون «دولت توسعه‌طلب»، «ناقض حقوق بشر» و ... توصیف نموده‌اند. از همین رو، قدرت‌های غربی همواره بسته به شرایط زمانی و ساختاری، از کلیه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود برای تغییر در راهبرد تحول‌خواهی ایران بهره‌برداری نموده‌اند. این مسئله بر روابط ایران با کشورهای محافظه‌کار منطقه بویژه عربستان که داعیه‌دار رهبری بر جهان اسلام است، تأثیر بسزایی داشت و این مهم سبب شده تا رقابت عربستان با ایران تجدید نظرطلب به بحرانی‌ترین شکل خود و در قالب تهدیدات راهبردی درآید. به عبارتی بهتر، وقایعی نظیر تأسیس شورای همکاری خلیج فارس (۱۹۸۱)، حمایت عربستان از عراق طی جنگ تحمیلی، کشتار حجاج ایرانی (۱۳۶۶)، حمایت عربستان از رویکردهای آمریکا در خلیج فارس از جمله عواملی هستند که باعث شده تا روابط دو کشور بیش از آنکه مبتنی بر اصل حسن همجواری باشد، بر پایه تهدید و ناامنی استوار گردد. با وجود این شرایط، دانش‌پژوهان تا کنون تحقیقی جامع و مانع، بومی، آسیب‌شناسانه و راهبردمحور در این زمینه انجام نداده‌اند. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اکثر آثار، امنیت ایران را به عنوان متغیر وابسته بررسی نموده و اهمیت بیش از اندازه‌ای به مسائل هویتی، فرقه‌ای و سلطه‌طلبی بر منطقه داده‌اند.

برای نمونه، متقی بر این عقیده است که فقدان «ارزشها»، «هنجارها»، «قواعد»، «هویت» و «انگاره‌های مشترک» میان این دو کشور از جمله عوامل بسیار مهم در شکل‌نگرفتن رابطه استوار میان ایران و عربستان است (متقی، ۱۳۹۴). بن‌هوآدین نیز معتقد است که انقلاب اسلامی موجب تغییر «انگاره‌ها»، «دیدگاه‌ها» و «ذهنیت» این دو کشور نسبت به یکدیگر گردیده و تضاد امنیتی برای آنها به وجود آورده است (Bin Huwaidin, 2015). بر/اهیمی در خوانشی دیگر راهبرد سلفی‌گری عملگرایانه آل سعود در منطقه را عامل تمایز و تفاوت با ایران ارزیابی می‌نماید (ابراهیمی، ۱۳۹۴). گرومنت مقاطع زمانی ۱۹۷۹-۱۹۲۴، ۲۰۰۳-۱۹۷۹، ۲۰۱۱-۲۰۰۳ و ۲۰۱۱ را نشانگر وجود جنگ سرد بین ایران و عربستان می‌داند



(Grumet, 2015). انوشرما نیز براین باور است که هسته اصلی عداوت بین ایران و عربستان، نگاه حاکمان دو کشور نسبت به یکدیگر است (Sharma, 2016). آیل جانر از این مباحث فراتر رفته و سرنگونی دیکتاتوری‌های عربی در خاورمیانه را مسبب برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه و عامل نزاع بین ایران و عربستان می‌داند (Jaaner, 2012). در نهایت شورای امنیت نیز طی گزارشی پیشنهاد می‌دهد به منظور کاهش تنش‌ها بین این دو کشور، شورا باید نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را به منطقه خلیج فارس روانه سازد (Security Council, 2016).

از این منظر، در تحلیل تهدیدات عربستان سعودی علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران، نظریه‌های غربی امنیت، همچون «امنیت ملی»، «مکتب کپنهاگ» و «نئورئالیسم» به طور خاص محقق را در توصیف و کالبد شکافی تهدیدات عربستان و ارائه راهبرد به منظور تخفیف آنها یاری نخواهد نمود. برای نمونه، اگرچه «نظریه امنیت ملی عمدتاً یک نظریه مفروض، گسترده و مادر ... است»، اما به سبب برجسته نمودن تهدیدات نظامی از سایر تهدیدات، نمی‌تواند پاسخگوی کلیه تهدیدات عربستان علیه امنیت ایران باشد. این به آن معنا نیست که نظریه‌های مطالعات امنیتی در تحلیل تهدیدات عربستان علیه ایران به طور کامل ناکارا هستند، بلکه کارایی این نظریه‌ها استفاده از برخی از بسترهای نظری آنها جهت کاربست و پردازش الگوی «امنیت راهبردی» در این تحقیق است. روی هم رفته این پرسش مطرح است که تهدیدات عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران بر پایه الگوی امنیت راهبردی چگونه قابل تجزیه و تحلیل‌اند؟ فرضیه پژوهش حاضر بر این پایه استوار است که الگوی امنیت راهبردی از این قابلیت برخوردار است که تهدیدات عربستان علیه ایران را با عنایت به ویژگی‌های خاص محیط سیاسی و اجتماعی دو کشور و نقش نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل تحلیل نموده و راهبردهایی جهت کاهش تهدیدات عربستان علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران، ارائه نماید. بنابراین، نوآوری این تحقیق در جنبه‌های مفهوم‌پردازی، روزآمدی و کاربردی آن است.

#### ۱. روش تحقیق

روش اصلی تحقیق حاضر؛ قیاسی و رویکرد آن تحلیلی است. نوع این پژوهش؛ کیفی، نظری و کاربردی می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات؛ کتابخانه‌ای و اسنادی است و

ابزارهای گردآوری داده‌ها؛ فیش‌برداری خواهد بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کیفی می‌باشد.

## ۲. تمهیدات نظری و مفهومی؛ ارائه الگوی امنیت راهبردی از رهگذر نقد نظریه‌های

### غربی و بومی

برای نیل به مقصود اصلی نوشتار حاضر، در ابتدا به طور مجمل به نابسندگی نظریه‌های امنیتی غربی و بومی در تحلیل تهدیدات عربستان علیه ایران خواهیم پرداخت و در ادامه اصول، منابع و کارکردهای الگوی امنیت راهبردی را به منظور رفع نقصان نظریه‌های مزبور ارائه خواهیم نمود.

۲-۱. کاستی‌های نظریه‌های روابط بین‌الملل در تحلیل تهدیدات عربستان علیه ج.ا.ا. در این قسمت به کاستی‌های چهار نسل از نظریه‌های امنیتی غربی (نئورئالیسم، مکتب کپنهاگ و مکتب پاریس) و بومی (فرا نظریه اسلامی و ایرانی امنیت)، در تحلیل تهدیدات عربستان علیه ایران پرداخته خواهد.

۲-۱-۱. نئورئالیسم به مثابه مهم‌ترین مکتب جریان اصلی مطالعات امنیتی امنیت نئورئال ترکیبی از بسته امنیت ملی و امنیت بین‌المللی است (اقارب‌پرست و شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). نواقعی‌گرایی سرشت آنارشیستیک نظام بین‌المللی را نقطه عزیمت خود می‌داند. دولت‌ها برای اینکه از امنیت برخوردار شوند، باید همگی پیوسته آماده باشند تا زور را با زور پاسخ گویند (تریف و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۸). بنابراین، بین نظام بین‌الملل و سیاستگذاری امنیتی همیشه رابطه علی برقرار است (قیصری، ۱۳۹۳: ۳۴). این در حالی است که بوزان و ویور معتقدند که جامعه باید مرجع اصلی امنیت باشد (یزدانی و خدابنده، ۱۳۹۰: ۱۷۰)؛ چرا که نواقعی‌گرایی به خاطر توجه مفرط به ساختارها از محدودیت‌های اجتماعی قدرت غفلت کرده است (مومنی و عساریان‌نژاد، ۱۳۸۹: ۲۱۰). این اتهامات با رشد فزاینده جهانی شدن و ظهور بازیگران فراملی و فروملی سرعت بیشتری گرفت (یزدان‌فام، ۱۳۹۱: ۷۳۲-۷۳۱). ازاینرو، نئورئالیسم از تحلیل تهدیدات غیر عینی مانند تهدیدات فرهنگی و اجتماعی عربستان باز می‌ماند، به مسئله امنیتی کردن گفتمان سایبری

ایران واقعی نمی‌نهند و تأثیر تحلیل بنیان‌های تبارشناسانه نظام بین‌الملل بر تهدیدات منطقه ای و فرهنگی عربستان علیه ایران را انکار می‌کند.

### ۲-۱-۲. مکتب کپنهاگ به مثابه مهم‌ترین مشرب مطالعات امنیتی راه میانه

مکتب کپنهاگ از منظر هستی‌شناسانه، دیدگاهی بینابینی به واقعیت؛ توجه به سطوح گوناگون فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ تأکید بر نقش کنشگری دولت در عین توجه به سایر بازیگران و تعامل و قوام‌بخشی متقابل ساختار و کارگزار دارد (سعیدآبادی و محروق، ۱۳۹۲: ۱۱۵). مکتب کپنهاگ بر سه انگاره اصلی متکی است: (۱) «امنیتی کردن»، (۲) «بخش‌ها» و (۳) «مجموعه‌های امنیتی» منطقه‌ای. امنیتی کردن، هسته امنیت سنتی را مورد تردید قرار داده و با سیاسی کردن یک مسئله، در پیوند است. بخش‌ها، ارجاعی به تمایز میان امنیت اجتماعی، نظامی، زیست‌محیطی، سیاسی و اقتصادی است و مفهوم مجموعه‌های امنیتی نیز به اهمیت سطح منطقه‌ای در تحلیل امنیت می‌پردازد (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶).

نصری معتقد است که مکتب کپنهاگ به نقش دولت در مهندسی اجتماعی بی‌توجه است، تأکید بیش اندازه‌ای به خاستگاه‌های منطقه‌ای بحران‌ها دارد و دامنه امنیتی دیدن مسائل در آن بی‌حد و مرز است (نصری، ۱۳۹۰: ۱۳۲). همچنین نگاه مکتب کپنهاگ به «امنیت» منفی بوده و کمال مطلوب در «غیر امنیتی سازی» است (زارع‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۳). لذا از منظر منطقه‌ای، مکتب کپنهاگ نقش قدرت‌های بزرگ، در فرایند تولید تهدیدات عربستان علیه ایران را نادیده می‌گیرد، در تحلیل تهدیدات فرهنگی عربستان نقش خاصی برای دولت این کشور قائل نیست، نگاه راهبردی ایران به امنیت و الزامات آن در مقابل عربستان را سازنده نمی‌داند و برای تحلیل تهدیدات پنج‌گانه از جانب عربستان کارایی ندارد.

### ۳-۱-۲. مکتب پاریس به مثابه مهم‌ترین نماینده مطالعات پسا ساختارگرا از امنیت

مکتب پاریس تأکید دارد که روابط بین‌الملل خودش را از نظریه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی جدا ساخته است. امنیت را نمی‌توان تنها از منظر روابط بین‌الملل به مطالعه گذاشت (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۸). تأسیس امنیت از یک سو وابسته به کاربرد زبان و از

1. Securitisation
2. Sectors
3. Security Complexes

سوی دیگر مشروط به «بافت» [میدان] است. لذا رابطه کارگزار و بافت، رابطه‌ای یکسویه نیست و زبان به خودی خود، واقعیت را نمی‌سازد (فیروزآبادی و قریشی، ۱۳۹۱: ۲۶). از سویی، رابطه قدرت- دانش / امنیت بحث معرفت‌شناسی مکتب پاریس را شکل می‌دهد. پلیسی کردن عدم امنیت که با دانش متخصصین امنیت پیوند خورده است، حالتی از حکومت‌گری است که به ترسیم خطوط ترس و ناامنی در دو سطح فردی و جمعی می‌پردازد (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۹).

بی‌ثباتی در مصادیقی نظیر سست شدن حاکمیت ملی و رابطه آزادی و امنیت، با مختصات تهدیدات عربستان علیه ایران همخوانی ندارد، همچنین مکتب پاریس، از حیث هستی‌شناسی به درستی مشخص نمی‌کند که امنیت جامعه چیست؟ به سخن دیگر، تهدیدات عربستان برای امنیت جامعه ایران از چه روندهایی می‌تواند تبعیت می‌کند؟ از حیث معرفت‌شناسانه مبحث دانش- قدرت در تحلیل تهدیدات عربستان سعودی کارایی علیه ایران چندانی ندارد. از حیث روش‌شناسانه نیز مفهوم میدان، مفهومی پیچیده و گنگ است؛ چرا که مرز بین کارگزاران امنیتی و مراجع امنیت نیز از بین خواهد رفت.

#### ۴-۱-۲. فرا نظریه نظریه اسلامی - ایرانی و مطالعات امنیتی

بعد از جنگ سرد و رشد فرایند جهانی شدن، پارادایم جدیدی در روابط بین‌الملل بر مبنای دین و معناگرایی در نظام بین‌الملل شکل گرفت (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۵). این در حالی است که «نظریه اسلامی روابط بین‌الملل به صورت متعین و محقق در متون مقدس اسلامی به عنوان نفس‌الامر دین اسلام، وجود ندارد.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). اما کنکاش در منابع بومی علوم امنیتی نشان می‌دهد که تفاوت فاحش مطالعات بومی امنیتی، از حیث نظری و فرا نظری در نگاه توحیدی آن، با مطالعات امنیتی غربی است (افتخاری و صدقی، ۱۳۹۵: ۸). با این وجود لک زایی ۱۰ گونه سنت مطالعاتی اسلامی و ایرانی را از هم تمیز می‌دهد: سنت فلسفی مطالعات امنیتی، سنت کلامی مطالعات امنیتی، سنت اخلاقی مطالعات امنیتی، سنت تفسیری مطالعات امنیتی و ... (لک زایی، ۱۳۹۰: ۴۶-۵۲). از این حیث از بعد انسان‌شناسی، مرجع امنیت در مکتب جمهوری اسلامی ایران، «سعادت انسان» یا «تجلی ابعاد خداگونگی انسان» است (غرایق زندی، ۱۳۹۴: ۵۱-۴۱). در حوزه معرفت‌شناسی مکتب امنیتی شریعت‌مدار علاوه بر عقل و تجربه، معرفت وحیانی و شهودی هم وجود دارد (افتخاری و صدقی، ۱۳۹۵: ۱۶). از حیث

روش، الف) تشخیص مسائل علوم امنیتی با قابلیت مصداق‌یابی، ب) رجوع به منابع و ادله قرآن و سنت، ج) کشف موضوعات امنیتی از طریق عقل و ... حائز اهمیت هستند (حمزه پور، ۱۳۹۳: ۸۱-۸۰). عدم اعتماد به نفس برای تولید نظریه بومی، عدم وقوف کامل به زبان بین‌المللی، عدم وجود پژوهشگاه‌های حوزوی- دانشگاهی، آشنا نبودن اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل با مسائل فقهی و متقابلاً خبره نبودن دانشوران حوزوی با موضوعات روابط بین‌الملل از مهم‌ترین آسیب‌های وارده در این زمینه است.

جدول شماره ۱. عدم کارایی نظریه‌های روابط بین‌الملل در تحلیل تهدیدات عربستان

| نواقص نظریه‌های غربی و بومی   |   |                     |  |
|---|---|---------------------|--|
| نورنالیسم   | مکتب کپنهاگ   | مکتب پاریس          | نظریه اسلامی ایرانی در مطالعات امنیتی                                    |
| نقصان در مرجع‌شناسی امنیت و پیامدهای آن در تحلیل تهدیدات هویتی و فرهنگی | نادیده انگاشتن نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تئوریتات امنیتی منطقه‌ای | نقصان نظری          | عدم خودباوری در تولید نظریه‌پردازی امنیتی                                |
| کاستی‌های روشی در مبحث امنیتی کردن تهدیدات سایبری                       | نادیده انگاشتن نقش «دولت» در تحلیل تهدیدات فرهنگی                   | نقصان هستی‌شناسانه  | کاستی‌های فنی در تولید نظریه‌پردازی امنیتی                               |
| غفلت از نقش نظام بین‌الملل در تحلیل تهدیدات عربستان                     | تلقی منفی از امنیت  | نقصان معرفت‌شناسانه | عدم پردازش مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راستای اعتلای نظریه‌پردازی |
| نقصان در تحلیل سرشت تهدیدات عربستان علیه ج.ا.ا.                         | عدم کارایی کامل ابخشی‌ها، برای کاربست تهدیدات عربستان علیه ج.ا.ا.   | نقصان روشی          | عدم ارتباط حوزه و دانشگاه در عرصه تولید نظریه‌پردازی                     |

منبع: نویسنده

۲-۲. پردازش الگوی امنیت راهبردی؛ ضامن تحلیل تهدیدات عربستان بر اساس

#### مطالعات امنیتی

«امنیت راهبردی» (Strategic Security) به مثابه یک الگو اولین بار بواسطه کالوی ماکینن در روابط بین‌الملل در کالج دفاع ملی فنلاند، مطرح گردید. ماکینن تأکید دارد مفهوم امنیت راهبردی تلاشی برای تعدیل پیچیدگی‌های ابعاد چندبعدی حوادث [یا به

عبارتی بهتر تهدیدات] است که ریشه در مطالعات نظری دارد. امنیت راهبردی یک مفهوم با متغیرهای عمودی (حاکمیتی) و افقی (غیر حاکمیتی) است. پیچیدگی‌های تغییرات محیطی بر توازن موضوعات و دغدغه‌های مربوطه تأثیر می‌گذارد. بنابراین، حفظ تعادل اصلی‌ترین چالش امنیت راهبردی در تمام سطوح یک سازمان است (Mäkinen, 2005). شلدون گریوز اشاره دارد «امنیت راهبردی» واژه‌ای است که در بخش‌های متفاوت امنیتی جهانی مطابق با شرایط زمانی و مکانی مختلف به کار می‌رود. [لذا می‌توان از آن در مبحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل استفاده نمود] لذا هنوز تعریف مشخص و آکادمیک از آن وجود ندارد (Greaves, 2008:14).

نویسنده برای الگوی امنیت راهبردی، اصول، منابع و کارکردهایی مشخص می‌کند. منظور از اصول، قاعده‌هایی است که عدول از آنها در هر شکل، عدول از مرزهای الگوی امنیت راهبردی است. از طرفی، منابع و کارکردهای الگوی امنیت راهبردی مختص به این پژوهش است و تعریفی را در بر می‌گیرد که مقتضیات نظری و عملی تحقیق به آن دامن می‌زند. از این حیث منابع الگوی امنیت راهبردی، آبخورهایی هستند که مرزها و شبکه الگوی امنیت راهبردی در ارتباط با تهدیدات عربستان علیه ایران را مشخص می‌نماید و در نهایت کارکردهای الگوی امنیت راهبردی، به ساماندهی منابع و ساختارمندی آنها در جهت هدف اصلی تحقیق می‌پردازند.

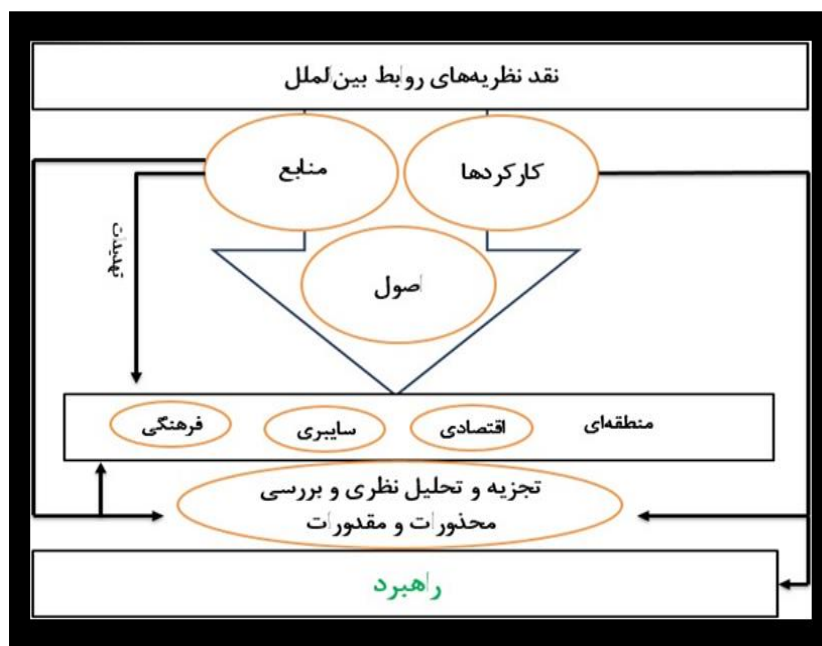
از این حیث اصول الگوی امنیت راهبردی عبارتند از: (۱) ریشه داشتن در مطالعات نظری، (۲) درنظرداشت مسائل و دغدغه‌های کلان و خرد؛ (۳) شناسایی دغدغه و معضل بر اساس شرایط مکانی و زمانی، (۴) فرا رفتن از اصول اثبات‌گرایی و نهایتاً (۵) ارائه راهبرد برای جلوگیری از تنش و حفظ تعادل. مهمترین منابع الگوی امنیت راهبردی شامل چهار مؤلفه هستند: (۱) درنظرداشت مباحث نظری و فرآنظری غربی و بومی و تطبیق آنها با تهدیدات عربستان، (۲) درنظرداشت تحولات خاص زمانی و ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دو کشور بر اساس پیشینه تحقیق، (۳) شناخت نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل و تأثیر آن بر میزان تهدیدات عربستان علیه ایران و (۴) تشخیص مصادیق تهدیدات پایدار عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران.





از این حیث، یافته‌های پژوهش بر اساس پیشینه تحقیق و شرایط خاص بین دو کشور نشان می‌دهد که اهمّ تهدیدات عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب تهدیدات منطقه‌ای، اقتصادی، سایبری و هویتی قابل تفسیر است. بنابراین، الگوی امنیت راهبردی در تحقیق حاضر ریشه در کلیات (نه تمامی ابعاد) نظریه‌های گوناگون روابط بین‌الملل شامل نظریه‌های امنیتی و غیر امنیتی، غربی و غیر غربی، طبق شرایط و واقعیات خاص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بین ایران و عربستان دارد. اما کارکرد الگوی امنیت راهبردی تبیین، آسیب‌شناسی و درنظرداشت محذورات و مقدورات کشور به منظور ارائه راهبرد جهت کاهش تهدیدات عربستان بر اساس مطالعات نظری است. لذا هدف الگوی امنیت راهبردی، ارائه راهکار به منظور تأمین امنیت پایدار فرهنگی، منطقه‌ای، اقتصادی و سایبری از طریق توصیف، تحلیل و آسیب‌شناسی خطرات مولفه‌های فوق‌الذکر است.

نگاره شماره ۱. منابع و کارکرد الگوی امنیت راهبردی



منبع: نویسنده

۳. منابع الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات منطقه‌ای عربستان علیه ایران  
نویسنده بر این باور است تحلیل تهدیدات منطقه‌ای عربستان علیه ایران، در گرو فهم  
تضاد نظام نومحافظه‌کاری با قدرت مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا است. در ادامه  
به تفصیل به این موضوع پرداخته خواهد شد.

### ۱-۳. شبکه تهدیدات منطقه‌ای؛ تخاصم نظام نومحافظه‌کاری با قدرت و نفوذ مقاومت اسلامی در ژئوپلیتیک منطقه

نظریه مقاومت به‌عنوان یک نظریه‌ریایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی  
بر قدرت، روایت انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی (ص) و نظام بین‌الملل است.  
لذا مهم‌ترین پیامد انقلاب را می‌توان چالش در برابر سلطه جهان غرب بر مناطق  
پیرامونی دانست (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲: ۲۴۸-۱۹۱). نظریه اسلامی و ایرانی مقاومت  
با الهام از آورده‌های انقلاب اسلامی، نظم موجود حاکم بر روابط بین‌الملل را نظمی  
مبتنی بر روابط سلطه‌ارزیابی می‌کند. با این فرض، با درنظرداشت سه نسل متفاوت از  
قدرت، مهم‌ترین تغییر و تحولاتی که مقامات اسلامی بر هندسه قدرت در غرب آسیا و  
سیاست خارجی عربستان در قبال ایران داشته، تحلیل خواهد شد.

نسل اول قدرت در قالب رئالیسم ارائه شد. قدرت از دید اعضای مکتب، رابطه‌ای  
اجتماعی است که یک طرف این رابطه به‌طور نیت‌مند بر طرف دیگر درون یک الگوی  
ارزشی مشترک، تأثیر می‌گذارد (Berenskoetter, 2007: 1-10). در نوع رئالیستی روابط  
خاص قدرت، عموماً بین سوژه و ابژه، رابطه فوری، محسوس و سازنده برقرار است.  
منظور از مبانی مادی قدرت انقلاب اسلامی، تأثیر جهت‌گیری‌های عملی سیاست  
خارجی ایران بر گفتمان مقاومت در منطقه غرب آسیا است. محور مقاومت در غرب  
آسیا با حضور تهران، دمشق، حزب‌الله و حماس، دفاع از آرمان فلسطین و مقابله با نظام  
سلطه (نومحافظه‌کاری) را در دستور کار خود داشته‌اند. این جبهه با محوریت ایران به  
شکل مستقیم و بواسطه همکاری‌های سیاسی و نظامی آرایش بازیگران منطقه‌ای غرب  
آسیا را تغییر داده است (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۹-۷). مهم‌ترین نتیجه این

#### 1. Narrative Power

راهبرد در فرایند جنگ عراق علیه ایران قابل مشاهده است؛ چرا که ایران توانست در برابر فشارهای بین‌المللی و همچنین حمایت‌های بی دریغ کشورهای قدرتمند جهان از عراق، به موازنه استراتژیک دست یابد (پوستین چی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۹۷). نسل دوم قدرت را لیبرال‌ها ارائه کردند. لیبرالیسم رژیم‌های بین‌المللی را بدیلی برای شناخت دیگر منابع قدرت همچون قدرت نرم معرفی نمودند (Berenskoetter, 2007: 1-10). با توجه به اهداف و اصول انقلاب اسلامی جهت‌گیری بنیادی ایران عدم تعهد به نظام سلطه (نومحافظه‌کاری) و درعین‌حال، تلاش جهت تشکیل ائتلاف و اتحاد علیه این نظام و هر نوع سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ به طوری که در وضعیت نظام دوقطبی حاکم بر سیاست بین‌الملل ایران از جمله کشورهایی بود که به هیچ قطبی گرایش نداشت و خواهان بی‌طرفی بود (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷-۹).

نسل سوم برای قدرت عامل خاصی مشخص نمی‌کند و قدرت را فرایندی تعریف می‌کند که در تاروپود روابط اجتماعی عنصر رضایت را بازتولید می‌کند (Berenskoetter, 2007: 10-23). در نوع غیرمستقیم قدرت، رابطه بین سوژه و ابژه با واسطه، با فاصله زمانی و اجتماعی است. بر این اساس، قدرت مولد که ویژگی‌اش برساخته شدن غیرمستقیم روابط اجتماعی سوژه‌ها در نظام معنا و نموده‌است (Barnett and Duvall, 2005: 69) گسترش هنجار مقاومت در غرب آسیا یکی از تأثیرات انقلاب اسلامی است (پوستین چی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)؛ برای نمونه حزب‌الله لبنان علاوه بر دفاع از مرزبوم ملی خود، وظیفه دفاع از کیان دیگر مسلمانان خصوصاً فلسطین را مدنظر دارد (درخشه و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۲-۲۴۱). از این منظر در گفتمان انقلاب قدرت اصولاً ارزش راهبردی ندارد و نظریه سیاست اسلامی (مقاومت اسلامی) در صورتی ارزشمند است که مقید به اصول دینی و مبتنی بر معرفت و آگاهی باشد (افتخاری، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۵). لذا در همین راستا می‌توان به خودآگاهی سیاسی نیز اشاره داشت؛ چرا که در تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر فرایند تکاملی بیداری اسلامی، باید به

۱. اما دستاوردها در سیاست بین‌الملل زمانی نمود پیدا می‌کنند که انواع قدرت پایه دستاوردهای قدرت شوند.

اشتراکات فراوان سیاسی و فرهنگی میان ایران به‌عنوان عامل و جنبش‌های سیاسی به‌عنوان محرک‌های متأثر توجه داشت (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸-۱). تضعیف مشروعیت صهیونیسم نیز از یکی از مهم‌ترین تأثیرات مولد قدرت انقلاب است (آجرلو و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۹۰-۱۰۰)؛ انقلاب اسلامی با تبیین اینکه «اسلام راه‌حل و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد (نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۹).

### ۲-۳. دامنه مرزهای تهدیدات عربستان سعودی علیه قدرت مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا

عربستان از متحدان نظام نومحافظه‌کاری (سلطه) در منطقه به شمار می‌رود و تسلط بر منطقه به عنوان یک منزلت منطقه‌ای برای عربستان در گرو رقابت با ایران [و محور مقاومت] است (بیات و اسلامی، ۱۳۹۷)؛ از اینرو تهدیداتی متوجه هر سه وجه قدرت مقاومت اسلامی خاصه جمهوری اسلامی ایران نموده است. مبارزه با کشورها و ملت‌های مقاومت اسلامی یکی از مهم‌ترین تهدیدات مزبور است. از آنجاییکه سوریه و عراق پس‌ا‌صدام پیوند عمیقی با گفتمان انقلاب اسلامی در بعد اسلام‌گرایی و محور مقاومت برقرار نموده‌اند، عربستان استراتژی تغییر رژیم به دنبال قطع این پیوندها در مرحله نخست و در مرحله بعد تضعیف انقلاب اسلامی با گسست در محور مقاومت را در پیش گرفته است (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۹۵). در ارتباط با یمن عربستان که قدرت‌یابی حوثی‌ها را مخالف امنیت منطقه‌ای خود می‌داند، با لشکرکشی نظامی به یمن به مقابله با این امر پرداخت (آل سیدغفور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۵). این مخالفت در اثر نزدیکی وجوه فکری و رفتاری جنبش انصارالله با مبانی بینشی انقلاب اسلامی است (خضری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۴). همچنین در اثر تحولات بیداری اسلامی، مقامات سعودی به منظور توجیه سرکوب مردم بحرین اظهار می‌کنند که نیروهای نظامی آنان برای جلوگیری از نفوذ ایران در سیاست‌های داخلی بحرین مداخله کرده‌اند (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۲۵). همچنین عربستان، با فشار به اتحادیه عرب و شورای

همکاری خلیج فارس، حزب الله را سازمانی تروریستی اعلام کرد و همواره سعی در جدایی حماس از ایران داشته است (پورحسن، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۳).

حمایت عربستان از گروه‌های تکفیری و تروریستی منطقه در راستای تهدیدات مزبور نیز حائز اهمیت است. "دویچه‌وله" در گزارشی در سال ۲۰۱۲ عربستان سعودی را بزرگترین حمایت‌کننده مالی تروریست‌ها در دنیا معرفی کرد (میرزایی و داوند، ۱۳۹۴: ۷۹). همچنین العالم به نقل از تیم اندرسون<sup>۱</sup> در یک روزنامه کانادایی می‌نویسد: «عربستان در سال ۲۰۰۶ با اشاره آمریکا برای جلوگیری از برقراری روابط محکم میان عراق و ایران اقدام به ایجاد "القاعده" در عراق کرد.» (خبرگزاری العالم، ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۹۴). از سویی تهدیدات سازمانی و نهادی عربستان علیه جبهه مقاومت اسلامی در قالب «شورای همکاری خلیج فارس»، «اتحادیه خلیج فارس»، «ائتلاف عربی» و «ائتلاف نظامی اسلامی مبارزه با تروریسم» و ... قابل ذکر هستند (نورعلی‌وند، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۳). عادی سازی روابط با اسرائیل نیز از تهدیدات عربستان علیه محور مقاومت است. افزایش تأثیرگذاری حزب‌الله در لبنان، از منظر سعودی‌ها به مثابه افزایش نفوذ ایران در منطقه و تعیین‌کنندگی بالاتر آن در معادلات اعراب - اسرائیل است (ستوده و خزائی، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۲). از اینروست که انور عشقی مدیر مرکز مطالعات راهبردی جده اعلام کرد که این کشور با رژیم اشغالگر قدس منافع مشترک دارد. وی افزود: «... عربستان دست به طرحی خواهد زد که برای عادی‌سازی [روابط] با اسرائیل مشوق کشورهای عربی خواهد بود؛ مسئله‌ای که بر روابط آن (اسرائیل) با مصر، اردن و اسیر کشورها تأثیر مثبتی خواهد داشت.» (خبرگزاری فارس، ۱۶ خردادماه ۱۳۹۵).

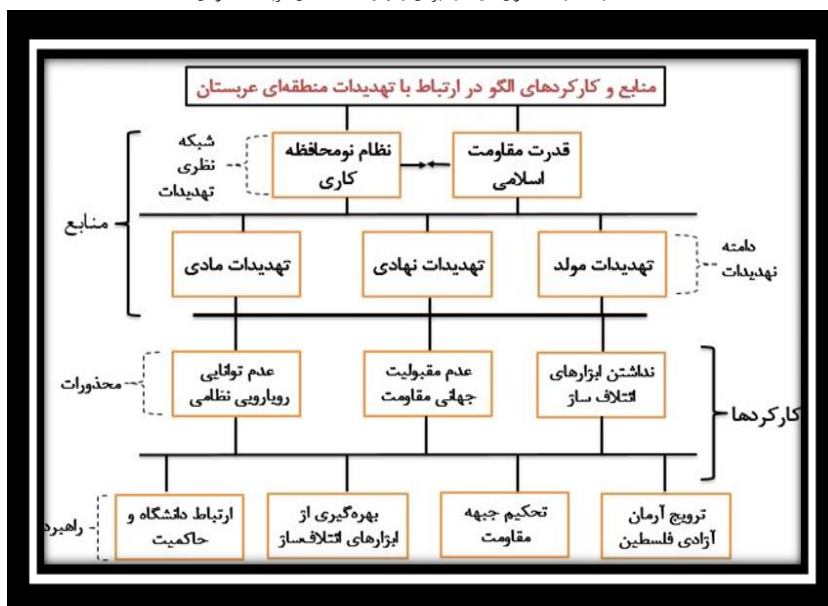
### ۳-۳. کارکردهای الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات منطقه‌ای عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران

قبل از اینکه به رائه راهکار برای کاهش تهدیدات منطقه‌ای عربستان علیه ایران و محور مقاومت بپردازیم، باید به محدودیت‌هایی که ایران در این راستا با آن روبرو است، توجه

۱. وی نویسنده کتاب جنگ کثیف ضد سوریه است.

نماییم. اولاً، ایران از حیث مادی (اقتصادی و نظامی) توان و یارای رویارویی کامل با نظام نومحافظه‌کاری را ندارد. ثانیاً، اگرچه جمهوری اسلامی از حیث اعتقادی، بنیان‌های نظام نومحافظه‌کاری را به چالش طلبیده، اما گستره این مقابله اعتقادی در عمل از منطقه غرب آسیا به دلیل عمر کم انقلاب اسلامی فراتر نرفته و هنوز جنبه بین‌المللی پیدا نکرده است. ثالثاً، نظام نومحافظه‌کاری و کشورهای تابع آن به دلیل در اختیار داشتن رسانه‌های جمعی و قدرت اجماع‌ساز بیشتر، ائتلاف‌سازی گسترده‌ای علیه محور مقاومت انجام داده و فعالیت آن را واژگون بازنمایی می‌کنند. لذا با عنایت موانع فوق این راهبردها پیشنهاد می‌گردد: (۱) نهادهای ذیربط حاکمیتی بالاخص وزارت خارجه باید با مراکز علمی با توجه به تخصص آنها قرارداد همکاری بسته و سیاست خارجی عربستان را در کشورهای مختلف منطقه را تحلیل نموده و از مواد خام اطلاعات و نتایج آنها بررسی عملیاتی ببرد؛ (۲) جمهوری اسلامی ایران باید از قدرت رسانه‌ای خود مبنی بر اینکه راهبرد ایران نه فرقه‌گرایی؛ بلکه وحدت شیع و سنی در جهان است، نهایت استفاده را ببرد؛ (۳) ایران باید مبادرت به تأسیس سازمان‌های بین‌المللی در زمینه همکاری‌های دفاعی و اقتصادی بین کشورهای مقاومت و همچنین کشورهای مقاومت و کشورهای که مستعداً پیوستن به محور مقاومت هستند (مانند افغانستان در منطقه و روسیه و چین در ورای منطقه)، نماید؛ (۴) ایران باید حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تکفیری و تروریستی را در دنیای دیپلماسی سایبری برجسته نماید و (۵) آرمان آزادی فلسطین باید در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی کشور و کشورهای محور مقاومت بازتولید گردد. در این ارتباط وزارت علوم تحقیقات و فناوری می‌تواند با ایجاد رشته دانشگاهی مطالعات فلسطین در یک یا چند دانشگاه کشور، بورسیه تحصیلی به دانشجویان کشورهای اسلامی اعطاء نماید.





منبع: نویسنده

#### ۴. منابع الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات اقتصادی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران

در واقع پس از انقلاب اسلامی، فقط کشورهایی توانسته‌اند برای ایران تهدیدات اقتصادی مهلکی به وجود آورند که شیوه انباشت آنها مبتنی بر انباشت پسا فوردیستی و یا حداقل فوردیستی بوده است. لذا به تناسب اینکه اقتصاد عربستان در شیوه انباشت اقتصاد نظام نومحافظه‌کاری (پسا فوردیستی) ادغام شود، تهدیدات آن علیه ایران دامنه و حدت بیشتری پیدا خواهد نمود. لذا شناخت تهدیدات اقتصادی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران با معیار پسا فوردیسم ضروری است.

#### ۱-۴. شبکه تهدیدات اقتصادی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران با میزان پساوردیسم

رابینسون بر این عقیده است آخرین فاز از تاریخ سرمایه‌داری، جهانی سازی است (Robinson, 2004: 3-15). جهانی سازی، اقتصاد جهانی را وارد دوران پسا صنعتی نموده است (Agnew, 2001: 135-149). در نظم اقتصاد پسا صنعتی «اقتصاد دانش محور» تولید کالاها، بیشتر به مهارت‌های تکنولوژیکی وابسته است تا مهارت کارگرانی که به تولید و مونتاژ کالاها می‌پردازند (Muller, 2013: 38). از نظر بل شاخص‌ترین ویژگی‌های جامعه پسا صنعتی در نظم اقتصاد سرمایه‌داری عبارتند از: ۱- افزایش اهمیت [بخش] «خدمات» در صنعت؛ ۲- افزایش روند جایگزینی «دانش» در نظم اجتماعی؛ ۳- اتکاء فزاینده نظام سیاسی بر متخصصین فنی؛ ۴- روند افزایشی نتیجه‌بخش کاربرد عقلانیت در زندگی اجتماعی و سیاسی (Ferkiss, 1979: 66). اما تحلیل بل از این واقعیت غافل شد که در همین جامعه ممکن است بنیان‌های شکل‌گیری یک طبقه فرادست شکل گیرد. این تحلیل بدبینانه را پسا فوردیسم مطرح می‌کند (Esping-Andersen, 1992: 3). پسا فوردیسم نظامی از انباشت سرمایه را به اجرا گذاشت که انباشت فراتر از نظام تولید و مصرف فوردیستی به منظور گذار از بحران [فوردیستی] به پیش می‌رود (Gartman, 1998: 124). لذا به تدریج فن‌آوری‌های میکروالکترونیک رباتیک و فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بیشتر اهمیت یافتند و از اهمیت کار کارگران کاسته شد (Gartman, 1998: 124).

#### ۱-۱-۴. بسترهای ترویج اقتصاد پسا صنعتی (دانش محور) در عربستان سعودی

عربستان در نظر دارد سرمایه‌گذاری‌هایش را در بخش فناوری به طور محسوسی افزایش دهد. عربستان انتظار دارد کشورهای آسیایی مانند چین و ژاپن تکنولوژی، به این کشور وارد کنند و اطلاعات لازم و مهارت به کارگران این کشور برای شکل‌گیری یک اقتصاد «دانش محور» منتقل شود (Yamada, 2015: 129). همچنین عربستان قرار است بزرگترین صندوق ذخیره ارزی در جهان با ۲ تریلیون دلار دارایی ایجاد کند (Waldman, 2016). وجود سرمایه انسانی نیز بستر مناسبی برای اقتصاد پسا صنعتی است. در هر ۵ برنامه توسعه اقتصادی عربستان، توسعه منابع انسانی یکی از دغدغه‌های



دولت برای سرمایه‌گذاری بوده (Debnath, 2015: 11). دانشگاه‌ها نیز در انتقال اقتصاد عربستان به یک اقتصاد دانش‌محور نقش بسزایی دارند (Al-Filali, 2012: 11) و حکومت از طرح‌های ابتکاری و اختراعاتی که بواسطه اشخاص حقیقی و حقوقی به ثبت برسند، حمایت می‌کند (Alsodais, 2013: 25). جهانی شدن نیز عامل مهمی است. عربستان برای تقویت پایه‌های اقتصاد صنعتی ضعیف خود و پر نمودن خلأ فناورانه نیروی کار خود در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، می‌تواند از مزایای جهانی شدن یعنی توجه بیشتر به صادرات و ادغام در اقتصاد جهانی دانش‌محور استفاده وافر ببرد (N S for T into K S, 2012: 34-36). چرا که عربستان قادر است با درگیر نمودن اقتصاد خود با اقتصادهای کشورهای عربی، از مزایای فروانی بهره‌برداری کند. ناکارآمدی اقتصاد نفت‌محور نیز انگیزه خوبی برای حرکت در مسیر پسا صنعتی شدن است. نرخ رشد صادرات غیر نفتی عربستان در سال ۲۰۱۵؛ منفی ۱۲٫۵۴ درصد بوده است (C D of S and I, 2016). نرخ رشد این کشور بیشتر بواسطه بخش نفت و گاز بوده و صنایع نفتی ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. اکثریت کارگران خطوط تولید، کارگران خارجی هستند، در حالی که عربستان به شدت از معضل بیکاری در بین جوانان رنج می‌برد (Khorsheed, 2015: 148).

#### ۲-۱-۴. موانع الحاق عربستان سعودی در نظام انباشت سرمایه‌داری جهانی

تقویت دولت رانترین مهم‌ترین مانع است. عربستان بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده میعانات نفتی در جهان است. و حدود یک‌پنجم ذخایر اثبات شده نفت در جهان را در اختیار دارد (Martorell, 2012: 50). اقتصاد عربستان اقتصادی رانتی است که در طول زمان توسعه یافته است (Stiftung, 2016: 3) و بخش خصوصی در اقتصاد سیاسی این کشور محلی از اعراب ندارد (Linnemann & Lacroix, 2015: 8). مالیات بخش ناچیزی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. منبع درآمد دولت، شهروندان نیستند و به تبع آن دولت به مردم پاسخگو نمی‌باشد (Etheridge, 2002: 5-10). از سویی، امروزه ۷۰ درصد از مردم عربستان در بخش دولتی کار می‌کنند (MGI, 2015: 23-25) و فعالیت کسب‌وکارهای کوچک در عربستان کاملاً وابسته صادرات نفت و فرآیند تبدیل نرخ ارز به ریال قرار دارد (Sivramkrishna, 2016: 75). در همین راستا می‌توان به نقش اندک

فناوری‌های دانش‌محور در انباشت سرمایه در عربستان توجه داشت. در نظام‌های اقتصادی دانش‌محور، علم، فن‌آوری و نوآوری موتور محرکه توسعه می‌باشد (Salem, 2014: 1050) این در حالی است که باشهاب و باد/پریا اعتقاد دارند که جایگاه فناوری، علم و دانش در اقتصاد عربستان ناچیز است و یکی از الزاماتی که این کشور باید برای تسریع در فرآیند گذار رعایت نماید، تربیت منابع سرمایه‌های جهت نیل به این مقصود است (Bashehab & Buddhapriya, 2013: 270). همچنین می‌توان به کمبود سرمایه انسانی ماهر در فرایند انباشت اشاره کرد. حدود ۶۳ درصد از جوانان در عربستان دیپلم دارند، اما از مهارت کافی برای حرکت درآوردن بخش خصوصی برخوردار نیستند. در حالی که عمده کارگران و متخصصین بخش خصوصی را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند (Jeddah Chamber, 2016: 3). لذا طبق برنامه «سعودی سازی»، این کشور در صدد برآمد تا مستخدمین خارجی شاغل در این کشور جای خود را با اتباع سعودی عوض کنند (Alshanhri & others, 2015). در همین ارتباط، تنها ۶ درصد از مهندسان شاغل در عربستان بومی هستند (Arab News, 20 September, 2014). در نهایت عامل عدم انباشت سرمایه بواسطه تولید کالاهای غیر نفتی در تجارت بین‌الملل نیز مد نظر کارشناسان است. کل صادرات عربستان در سال ۲۰۱۵ را ۲۰۱۴۹۱۷۵۹۸۷۱ دلار و مجموع واردات این کشور را ۱۶۳۸۲۰۹۵۲۵۰۳ دلار برآورد نموده است. مهم‌ترین اقلام وارداتی این کشور ماشین‌آلات صنعتی، ماشین‌آلات الکتریکی، سنگهای قیمتی و فلزات، آهن‌آلات، دارو، غلات و ... بود (Global Edge, 2017). نگاهی به واردات عربستان در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد این کشور ۶۵ میلیارد دلار تسلیحات نظامی وارد کرده است (Syed, 2016) از اینرو واردات تسلیحات عربستان در بازه زمانی ۲۰۱۱-۱۵ نسبت به دوره ۲۰۰۶-۱۰، ۲۷۵ درصد (تقریباً سه برابر) افزایش داشته است (Norton-Taylor, 2016) در سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی حدود ۸۷۰۰۰۰ اتوموبیل از ایالات متحده وارد کرده و ۵۳۳۷۴۹۱۲۸۱ دلار قطعات اتوموبیل از سراسر دنیا خریداری کرده است (International Trade Administration, 2016: 2). عربستان همچنین ۸۰ درصد از نیازهای غذایی شهروندان خود را از کشورهای خارجی وارد می‌نماید و تنها ۲۰ درصد از محصولات غذایی این کشور بواسطه اتباع سعودی تأمین می‌شود (Taha, 20 April 2014).

## ۲-۴. دامنه مرزهای تهدیدات اقتصادی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی

## ایران

عربستان در رویارویی با ایران همواره از سلاح نفت استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که در دوران جنگ تحمیلی، عربستان تولید نفت خود را به حدود ۱۰ میلیون بشکه افزایش داد (پورحسن، ۱۳۹۶: ۳۶-۳۵). در سال‌های اخیر نیز وزیر انرژی عربستان اظهار داشت: «در پی خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای با ایران، بر پایبندی عربستان به حمایت از ثبات بازار نفت در راستای تامین منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تأکید می‌کنیم.» (خبرگزاری تسنیم، ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷). تهدید بعدی تحریم شرکت‌های ایرانی است. پس از کارشکنی عربستان در تثبیت قیمت نفت خام در دوران پسا برجام، شاهد محدودیت فعالیت کسب‌وکارهای ایرانی در دبی و ممنوعیت تردد هواپیماهای ماهان‌ایر از حریم هوایی عربستان و ممانعت از ورود کشتی‌های نفتکش ایرانی به آب‌های عربستان و بحرین هستیم (خبرگزاری فرارو، ۹ خردادماه ۱۳۹۵). در همین راستا می‌توان به محدود نمودن آثار اقتصادی برجام اشاره داشت. عربستان نقش مهمی در تحریم‌های ثانویه علیه ایران داشته به کوشش برای کاهش بهره‌مندی ایران از مزایای توافق هسته‌ای پرداخته،<sup>۱</sup> و مبادرت به ارائه تخفیف نفتی به مشتریان آسیایی و اروپایی ایران کرده است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۸ شهریورماه ۱۳۹۵). همچنین به دستور بن‌سلمان، تجارت شرکت‌ها و موسسات اقتصادی عربستان سعودی با شرکت‌های بزرگ آلمانی مانند زیمنس، بایر و بورینگر به دلیل دفاع سرسختانه آلمان از برجام، متوقف خواهد شد. عربستان سعودی که تجارت گسترده‌ای با آلمان‌ها دارد، از پافشاری آلمان بر حفظ برجام بسیار ناخشنود است (اقتصادنیوز، ۵ خردادماه ۱۳۹۷).

۱. این تاکتیک از طریق فعال کردن لابی‌های عربی و افزایش هزینه‌های ایران در محیط پیرامونی و منطقه‌ای آن اتخاذ شده است.

### ۳-۴. کارکردهای الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات اقتصادی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران

در مجموع هویداست که تهدیدات عربستان به نسبت تهدیدات اقتصادهای پسا فوردیستی مهلک نیستند. در واقع اولاً، جمهوری اسلامی ایران در دوران تحریم، با استفاده از گسست در اقتصادهای دنیا، نفت خود را به کشورهای تجدیدنظرطلب فروخته است؛ ثانیاً، تحریم‌های عربستان بر اساس دانش و قدرت اقتصادی روز بین المللی (برای مثال این تحریم‌ها نمی‌تواند از روابط بین بانکی ایران و شرکت‌های بین المللی جلوگیری نماید) نیست؛ ثالثاً، ایران هیچ‌گونه وابستگی استراتژیک به کالا یا خدمت خاصی از سوی عربستان سعودی ندارد و رابعاً، کارشکنی‌های اقتصادی عربستان علیه ایران برآمده از خواست جامعه مدنی عربستان نبوده و صرفاً در راستای جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای این کشور قابل تحلیل است.

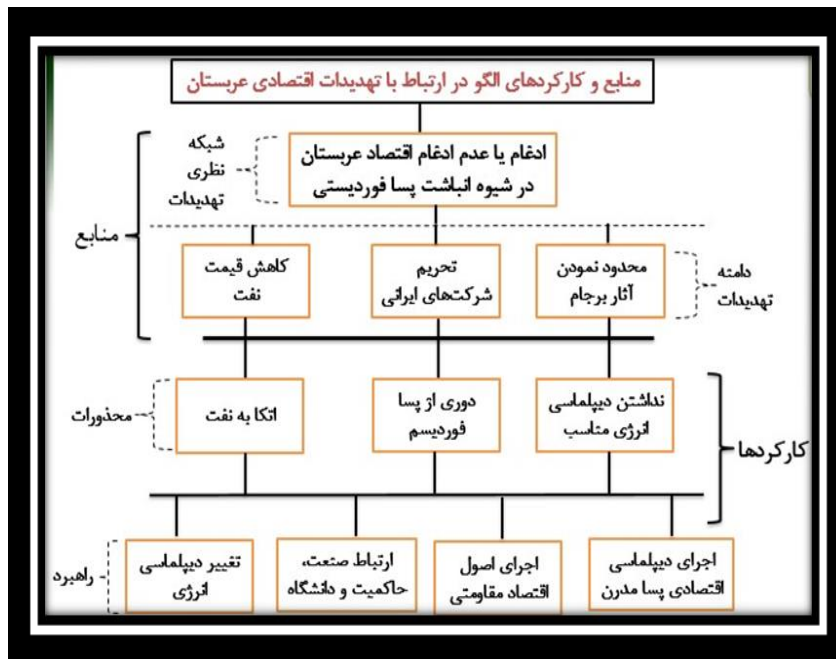
اما نباید از اهمیت تهدیدات مزبور و ارائه راهبرد برای کاهش آنها چشم پوشید. توضیح آنکه اقتصاد ایران همچنان وابستگی شدیدی به نفت داشته و از تکانه‌های اقدامات عربستان برای عرضه نفت با قیمت کمتر حداقل در کوتاه‌مدت آسیب پذیرفته است. لذا در این ارتباط ۵ راهبرد پیشنهاد می‌گردد: (۱) تغییر در دیپلماسی انرژی کشور و بهره‌گیری از روابط سیاسی و تجاری بین کشورهای دوست، عدم تعهد و همسایه برای ائتلاف‌سازی (معظمی و سرعتی آشتیانی، ۱۳۹۱: ۳۷)؛ (۲) استفاده از ظرفیت‌های سیاسی کشور در مناسبات اقتصادی با کشورهای همسایه بالخصوص عراق جهت جلوگیری از کارشکنی‌های اقتصادی عربستان سعودی؛ (۳) بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی پسامدرن در عرصه دیپلماسی انرژی در مقابل عربستان که هزینه‌های آن به مراتب کمتر از دیپلماسی اقتصادی مدرن بالخصوص در حوزه دیپلماسی مجازی است؛ (۴) دستگاه‌های مسئول در ایران باید به دنبال راه‌های تشویقی برای حفظ مراودات تجاری با

۱. درآمد نفتی ۸۰ درصد کل درآمد صادرات و ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد (معظمی و سرعتی آشتیانی، ۱۳۹۱: ۳۲).

۲. بنا به تعریف صاحب‌نظران، دیپلماسی اقتصادی پسامدرن، هنر افزایش منافع ملی از طریق مبادلات پایدار اطلاعات اقتصادی میان دولت‌ها، ملت‌ها و دیگر گروه‌ها جهت مدیریت سازمان‌ها و ائتلاف‌های کثیرالمنافع است (داوند و موسوی شفاغی، ۱۳۹۶: ۹۳).

شرکای تجاری باشند تا کشورهای دیگر به راحتی نتوانند با پیشنهادهای اغواکننده، بازارهای صادراتی ایران را تصاحب کنند (روزنامه تعادل، ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۹۶) و (۵) ارتباط صنعت و دانشگاه و حاکمیت: ضروری است دانشگاه در حوزه علوم پایه و علوم انسانی مربوطه از یک سو و صنعت و حاکمیت از سوی دیگر کارگروه‌های مشترک در زمینه شناسایی و کاهش تهدیدات اقتصادی عربستان تشکیل داده و مطابق با تحولات بین دو کشور به فعالیت بپردازند.

نگاره شماره ۳. الگوی امنیت راهبردی و تهدیدات اقتصادی عربستان سعودی



منبع: نویسنده

۵. منابع الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات سایبری عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران  
در ارتباط با تهدیدات سایبری عربستان علیه ایران، به مسئله «امنیتی کردن» و «جنگ سرد» باید توجه ویژه داشت.

۱-۵. شبکه تهدیدات سایبری عربستان در گرو فهم امنیتی کردن جنگ سرد سایبر ایران و عربستان

فضای مجازی به علت ویژگی‌هایی چون سرعت، هزینه اندک<sup>۳</sup> و گمنامی<sup>۴</sup> (کاربر)، بستر مساعدی را برای جرایم و حملات مجازی فراهم آورده است. این وضعیت موجب شده تا حفاظت از فضای مجازی تبدیل به یکی از راهبردهای اصلی دولت‌ها گردد (Ciolan, 2014: 120). /ریکسون اشاره دارد مهم‌ترین نظریه‌ای که می‌تواند ابعاد و اضلاع امنیت سایبری در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی را تحلیل نماید، نظریه «امنیتی‌سازی» است (Eriksson & Giacomello, 2007: 13-15). این مکتب بسیاری از معضلات امنیتی نظیر درگیری‌های قومی، معضلات بهداشتی و درمانی (بیماری ایدز) و قاچاق مواد مخدر را تبیین کرده است (Hansen & Nissenbaum, 2009: 1152). از سویی فناوری‌های ارتباطاتی از پایان دهه ۱۹۹۰ به دلیل آسیب‌پذیری رایانه‌ها، بستر مساعدی برای «امنیتی‌شدن» فراهم آورده‌اند. پس به منظور درک چگونگی فضای سایبری در فرایند «امنیتی‌شدن» فقط باید آن را به مثابه یک دستور کار سیاسی، مد نظر داشته باشیم (Balzacq & others, 2016: 452-501) چرا که محیط امنیتی معاصر به طور عمیقی، به سیاسی کردن یک مسئله در پیوند است (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۶).

نظریه امنیتی‌سازی در تحلیل تهدیدهای فضای مجازی و درگیری‌های سایبری بین‌المللی، دولت را به واسطه متغیر «دستور کار سیاسی» به حاشیه نمی‌راند. به عبارت دیگر، امنیتی‌سازی، با سیاسی جلوه دادن مسائل فضای مجازی آنها را به خط اصلی نزاع‌های امنیتی انتقال می‌دهد. بعد از سقوط صدام، تغییراتی راهبردی در توازن قدرت در خاورمیانه به وجود آمد. یکی از نتایج این تحول جبهه‌بندی‌های جدید اتحاد جدید با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بود (Wehrey & others, 2009). اوج جنگ سرد بین ایران و عربستان از زمانی است که «بهار عربی»<sup>۵</sup> آغاز شد. ایران تنها برنده جنگ سرد در خاورمیانه بود و پس از سقوط نظام‌های سکولار در تونس و مصر مترصد پیروزی‌های

1. Cyberspace  
2. Fast  
3. Cheap  
4. Anonymous  
5. Arab Spring



بیشتر بود (Gause, 2014: 1-12). لذا عربستان در نقش یک قدرت حافظ وضع موجود (Berti & Guzansky, 2014: 25-34). منازعه را به فضای مجازی نیز کشاند. از همین روست که گیل معتقد است که حملات سایبری این دو کشور علیه یکدیگر، نشأت گرفته از «جنگ سرد»ی است که بین آنها در جریان است (Gili, 2015). متعاقباً در ۲۵ مه ۲۰۱۶، رئیس پلیس فتا اعلام نمود: هکرها طی یک حمله سایبری از سوی سه کشور که از کشور عربستان سازماندهی می شدند، وبگاه مرکز آمار ایران را هک کردند. وی افزود دولت عربستان پشت این ماجرا نیست (Fars News Agency, 2016). اما رئیس سازمان پدافند غیر عامل معتقد است که پشت همه این حملات سایبری عربستان سعودی قرار دارد (خبرگزاری مشرق، ۱۰ خردادماه ۱۳۹۵).

از طرفی، عربستان سعودی جدی ترین تهدید علیه امنیت سایبری خود در سالهای اخیر را حمله سایبری ۱۵ آگوست سال ۲۰۱۲، به [تأسیسات] آرامکو می داند که در جریان آن ۳۰۰۰۰ رایانه شرکت آرامکو آسیب دیدند (Oxford Business Group, 2017). "خبرگزاری نیو عرب" در سوم دسامبر ۲۰۱۶ می نویسد: بنا به گفته صاحب نظران و متخصصین آمریکایی، حملات فلج کننده به زیرساخت های رایانه ای عربستان می تواند کار هکرها را وابسته به دولت ایران باشد (Traboulsi, 2016). در این ارتباط لوئیز معتقد است: حادثه آرامکو یکی از سه حادثه اصلی در طول تاریخ بوده که امنیت سایبری خلیج فارس را به مخاطره انداخته است (Lewis, 2014: 2-4). این مسئله تهدیداتی اساسی برای ایران در پی داشته که به مهم ترین آنها اشاره می شود.

۲-۵. دامنه مرزهای تهدیدات امنیتی کردن گفتمان سایبری جمهوری اسلامی ایران  
دگرنمایی نهادهای دفاعی و دانشگاهی ایران به مثابه نهادهایی تهاجمی سایبری یکی از تهدیدات امنیتی کردن گفتمان سایبری است. به اعتقاد سیبونی و کرونگلد یکی از نهادهایی که توانایی تهاجمی ایران را در فضای مجازی افزایش داده است، سپاه

۱. مدارک و شواهد نشان می دهند که عربستان سعودی دگرگونی هایی اساسی در زیرساخت های سایبری خود ایجاد نموده است. پادشاهی سعودی بیشترین مشترکان اینترنت باند پهن در جهان عرب را داراست. از سال ۲۰۱۰ دسترسی به اینترنت در این کشور نزدیک به ۳۰ درصد افزایش یافته است (Frontera, 2016).

پاسداران انقلاب اسلامی است. در تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ توسط «مؤسسه پژوهشی دفاعی تک» انجام گرفت، تخمین زده شد که در [توسعه] برنامه جنگ سایبری سپاه پاسداران، حدود ۲۷۰۰ متخصص به کار گرفته شده‌اند که بودجه آن حدود ۷۶ میلیون دلار بوده است (Siboni & Kronenfeld, 2012, b). در همین رابطه گگان و استیانسن معتقدند دانشگاه صنعتی شریف یکی از مراکز دانشگاهی ایران است که امنیت سایبری بین‌الملل را تهدید می‌نماید (Kagan & Stiansen, 2015: 31). در همین راستا دگرنمایی نقش قابلیت‌های سایبری ایران در توسعه و تکمیل تهدیدات هسته‌ای اشاره نمود. چنانکه برمامن می‌نویسد: در اکتبر سال ۲۰۱۲، وزیر دفاع لئون پانتا آشکارا هشدار داد که ایالات متحده آمریکا به زودی با یک پرل‌هاربر سایبری مواجه خواهد شد. به گفته وی در این ارتباط هیچ سناریویی فوری‌تر و به طور بالقوه خطرناک‌تر از بحران هسته‌ای ایران نیست (Berman, 2013). لذا دولت‌های آمریکا، اسرائیل و عربستان باید فضای حاکم بر فعالیت‌های سایبری ایران را در اولویت‌های اطلاعاتی خود قرار دهند (Siboni & Kronenfeld, 2012, a)

دگرنمایی کارکردهای سایبری ایران در جهت تکمیل تخلفات حقوق بشری یکی دیگر از تهدیدات مزبور است. "فاینشال تایمز" در مقاله‌ای اشاره می‌کند که بیشتر توانایی‌های سایبری ایران، حاصل تلاش این کشور به منظور کنترل و نظارت بر مخالفان معترض «جنبش سبز» نسبت به «انتخابات معیوب سال ۲۰۰۹» بود (Jones, 2016). ایسنستیت در این ارتباط می‌نویسد: جمهوری اسلامی به فضای سایبر به مثابه ابزاری برای مهار شهروندان خود می‌نگرد (Eisenstadt, 2016). در نهایت می‌توان به دگرنمایی قابلیت‌های سایبری ایران در جهت حمایت از گروه‌های تروریستی اشاره داشت. چنانکه کیلفو می‌نویسد: دستاوردها و نرم‌افزارهای مخرب ایران می‌توانند در اختیار متحد مورد اعتمادشان یعنی حزب‌الله قرار گیرد (Cilluffo, 2013). آیتل نیز بر این باور است که با توجه به تجربه ایران، گروه سایبری حماس نه تنها می‌تواند از خود محافظت نماید، بلکه قادر است در آینده زیرساخت‌های مالی، انرژی و نظامی اسرائیل را تهدید نماید (Aitel, 2015)

1. Research Institute Defense Tech
2. Green Movement
3. Flawed 2009 Election



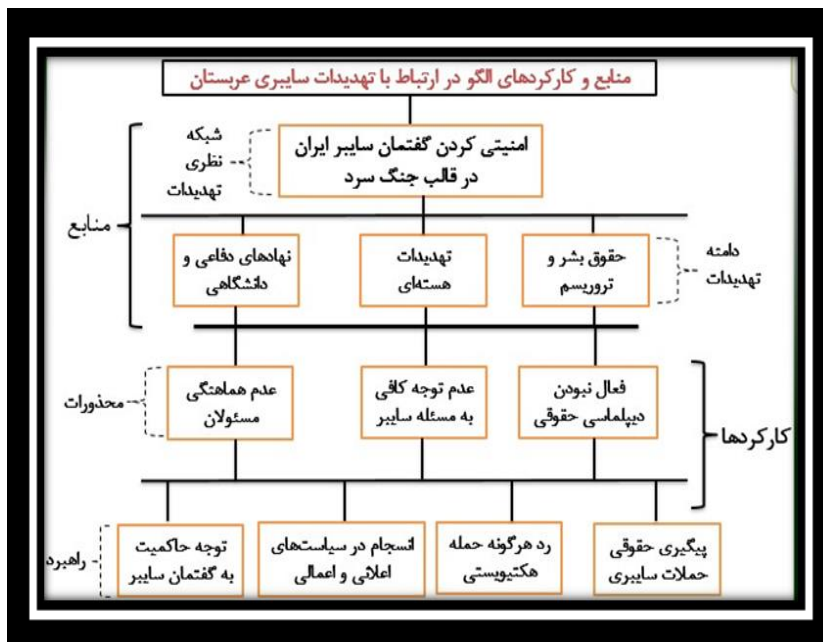


### ۳-۵. کارکردهای الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات سایبری عربستان

با توجه به ملاحظات فوق، عناصر امنیتی سازی گفتمان سایبری جمهوری اسلامی ایران بالاخص پس از سال ۲۰۱۱ در دستور کار کشورهای محافظه کار قرار گرفته است. عناصر امنیتی گفتمان سایبری نتایجی مانند تحریم، تهدید و ائتلاف سازی منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران را در پی دارد. در واقع اگر در دهه گذشته مسائل هسته‌ای دستمایه امنیتی سازی قرار می‌گرفت، در حال حاضر به واسطه اقتضائات زمانی، حمله سایبری با «بمب سایبری» ظرفیت فراوانی جهت امنیتی کردن گفتمان سایبری ایران دارد. لذا مهم‌ترین الزامات راهبردی که پیشنهاد می‌گردد عبارتند از: (۱) تأکید بر اینکه دولت ایران با گروه‌های هکری سایبری هیچ‌گونه ارتباطی ندارد؛ (۲) انسجام و وحدت بیشتر نهادهای نظامی فعال در حوزه سایبر، بالاخص در زمینه اعلام نهادها یا دولت‌هایی که به تأسیسات ایران حمله سایبری می‌کنند؛ (۳) پیگیری حقوقی حمله‌های سایبری و ثبت شکایت در مجامع حقوقی بین‌المللی ذیربط؛ (۴) برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی دانشگاهی و تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی یکی از قربانیان حمله سایبری از جمله ویروس استاکس نت است؛ (۵) تشکیل کمیته‌ای در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به منظور برنامه‌ریزی برای جلوگیری از امنیتی سازی گفتمان سایبر و انجام اقدامات مربوطه در خارج از کشور؛ (۶) قرار گرفتن امنیتی کردن گفتمان سایبری جمهوری اسلامی ایران در دستور کار شورای عالی امنیت ملی برای مشخص نمودن سیاست‌های کلی بازدارنده در این زمینه.

۲۴۵

سیاست جهانی



منبع: نویسنده

## ۶. منابع الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات فرهنگی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران

نویسنده بر اساس پیشینه تحقیق معتقد است که تحلیل تهدیدات فرهنگی عربستان علیه ایران، بدون توجه به راهبرد سیاسی آن در کشور خود و جهان اسلام دشوار است.

### ۶-۱. شبکه تهدیدات فرهنگی متضمن تحلیل راهبرد فرهنگی و سیاسی عربستان و ایران در جهان اسلام

گفتمان فرهنگی عربستان در دو وجهی سیاست و شریعت مفصل‌بندی می‌شود. اساس اندیشه پادشاه نگه‌داشت وضع موجود است و بهره‌گیری از دین نیز ابزاری در این راستاست (میردهقان و شوکتی مقرب، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۱). ترویج وهابیت تا حدود زیادی تحت تأثیر تحولات و جریان‌های منطقه‌ای و در رقابت با کشورهای است که آنها

را تهدیدی برای ایدئولوژی خود می‌داند. لذا هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی عربستان در جهان اسلام قبولاندن این مقوله به کشورهای اسلامی است که عربستان سعودی رهبر ژئوکالچر دنیای اسلام است و مقاومت در برابر ام‌القری (عربستان) هزینه‌های فراوانی برای آنها در پی خواهد داشت. از طرفی، سیاست خارجی عربستان نیز بر محافظه‌کاری<sup>۱</sup> استوار است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۶)؛ چرا که هدف سعودی‌ها از روابط نزدیک با آمریکا، رهبری سیاسی بر جهان اسلام؛ تبلیغ مذهب وهابی و جلوگیری از انتشار انقلاب اسلامی و حفظ وضع موجود در منطقه (متقی، ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۵۳) است. به همین جهت سیاست خارجی این کشور در برابر افکار و سیاست‌های انقلابی موجود در جهان غرب و اسلام نقشی محافظه‌کارانه ایفا می‌کند.

#### ۱-۱-۶. احیاگری اسلامی راهبرد فرهنگی ایران در جهان اسلام؛ زمینه‌ساز دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی

با پیروزی انقلاب، ایران با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، و ... کانون پخش و تراوش در منطقه شد (برزگر و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۷). تا جاییکه، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تاثیر قرار داد و باعث تقویت و ظهور تهدیدات بازیگران دولتی و غیردولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) شد (رضاپور، ۱۳۹۳: ۱۴۱)؛ چرا که امام خمینی (ره)، به عنوان رهبری این انقلاب، بر بعد سیاسی آموزه‌های اسلامی شیعی و پیوند دین با سیاست تأکید کرد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۸). انقلاب اسلامی دارای این پیام بود که این انقلاب در صدد ایفای نقش جهانی بوده و هست؛ به طوری که اسلام، ایدئولوژی و فرهنگ انقلابی آن رقیبی جدی برای لیبرالیسم غربی محسوب گردید (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳). اهداف اعتقادی انقلاب بر مبنای فرهنگ دینی، ارزش‌های سنتی و بومی،

۱. هسته مرکزی تفکر محافظه‌کاری اعتقاد به نابرابری انسان‌ها است و اینکه اقلیتی باید نقش هدایت جامعه را بر عهده داشته باشند و اکثریت از نبوغ این اقلیت برخوردار شود (پولادی، ۱۳۸۳: ۲۰۹-۲۰۸). و به طور کلی بر مفاهیمی چون اهمیت و نقش اقتدار سیاسی، قداست مالکیت خصوصی، خانواده، مذهب و تمجید سنت و رسوم تأکید می‌گذارد (بشیری، ۱۳۸۴: ۳۰۴).

برای جهان غرب کاملاً غیر منتظره بود (طاهری، ۱۳۸۸: ۶۸)؛ بطوریکه بعد از انقلاب ایران، سمت و سوی نظریه‌پردازی در خصوص انقلاب‌ها متوجه کانون «فرهنگ» شد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۴). بنابراین، احیای انقلاب اسلامی سازوکارهای فرهنگی و سیاسی محافظه‌کارانه غرب و هم‌پیمانانش در منطقه را نمی‌پذیرد، در مقابل آنها مقاومت کرده و بر اساس اصول فرهنگی و سیاسی اسلام ناب در صدد ارائه بدیلی مناسب برای ملت‌ها و دولت‌های بواسطه ترویج راهبردهای نظیر نفی سلطه‌پذیری، ظلم‌ستیزی و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش؛ مردم‌سالاری دینی و صدور آن به سایر کشورهای اسلامی و مبارزه با افراطی‌گرایی دینی و ترویج فرهنگ دفاع از آرمان فلسطین می‌باشد.

۲-۱-۶. تأثیرات سیاسی راهبرد فرهنگی ایران در جهان اسلام و واکنش عربستان سعودی

الگوها و راهبردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در عربستان سعودی، حتی برای اهل سنت و در سطح بعضی از گرایش‌ها و جناح‌ها پذیرای انقلاب ایران بوده است. قیام "جهیمان العتیبی" در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ و تصرف مسجدالحرام توسط وی و حامیانش از نمونه‌های آن است (برزگر و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷۹). همچنین اندکی پس از پیروزی انقلاب، شیعیان پاکستان در اعتراض به تدوین قانون شریعت پاکستان بر مبنای فقه حنفی، وزارت‌خانه‌ها را به اشغال درآوردند تا دولت را مجبور کنند از تحمیل اجرای فقه حنفی بر شیعیان صرف‌نظر کند که موفق هم شدند (شفیعی و قلیچ‌خانی، ۱۳۸۹: ۹). در مصر نیز از سال ۱۹۷۸م، غالب جریان‌های اسلامی سیاسی، به صورتی صریح یا ضمنی، سیاست‌های رسمی نظام سیاسی حاکم بر مصر در تأیید شاه ایران، انتقاد از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی (ره) را مورد انتقاد قرار داده‌اند (عبدوس، ۱۳۸۶). همچنین در دوران جدید نیز تأثیرات فرهنگی انقلاب چنان شگرف بوده است؛ که در جریان انتخابات سال ۲۰۱۴ عراق، تحلیلگر نشریه "نیویورکر" اعلام کرد: «تنها طرف پیروز در انتخابات پارلمانی عراق، ایران است.» (معین‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۹-۴۸). عربستان برای مقابله با تأثیرات سیاسی راهبرد فرهنگی ایران در جهان اسلام تهدیداتی فرهنگی را متوجه ایران می‌کند که مناسبت دارد در ادامه به مهم‌ترین آنها پرداخته شود.



با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران در برابر کشورهای محافظه‌کار منطقه [از جمله عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس] قرار گرفت که برآیند راهبرد آنها مقابله با اسلام سیاسی شیعی - انقلابی ایران (Kouzehgar Kaleji, 2012: 146-147) و جلوگیری از فرهنگ انقلابی در سطح منطقه بود. این مناسب‌ترین راهبرد برای عربستان در منطقه است. چرا که در جریان تحولات بیداری اسلامی که مظهر احیاء اسلامی بود، عربستان دریافت که یکم، کشورهایی که از مشروعیت مردمی برخوردار نیستند، در معرض سقوط قرار دارند؛ دوم، رفتار قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا در قبال کشورهای متلاطم (در جریان بیداری اسلامی)، کاملاً منطبق با منافع و عاری از در نظر داشت روابط دوستانه سابق با آنهاست و سوم؛ موج آزادی خواهی از این قابلیت برخوردار است که هر چه سریعتر کشورهای توتالیتار (تمامیت‌گرا) را در نوردد و به عمر سیاسی و اقتصادی الیگارشی (طبقه کوچک حاکم فاسد) پایان دهد. لذا تقویت جنبش‌های سلفی در تونس و مصر، حملات ددمنشانه هوایی به غیرنظامیان در یمن، کارشکنی در روند مذاکرات صلح در سوریه و متعاقباً کشتار بی سابقه مردم سوریه آواره شدن میلیون‌ها آنها، سرکوب شدید اعتراضات مسالمت‌جویانه مردم بحرین و تشدید تنش‌های فرقه‌ای در عراق و حمایت مستقیم و غیر مستقیم از اقدامات داعش در این کشور از مصادیق اقداماتی است که آل سعود برای فتنه‌انگیزی در جهان اسلام به منظور عدم تجدید حیات جنبش‌های آزادیبخش انجام می‌دهد. بدیهی است مهم‌ترین ثمره آشوب و هرج و مرج در جهان اسلام، عدم سرایت امواج گذار به مردمسالاری به جامعه عربستان سعودی است.

## ۲-۶. دامنه مرزهای تهدیدات عربستان علیه راهبرد فرهنگی ایران جهان اسلام

ایران هراسی، شیعه‌ستیزی، تبلیغات رسانه‌ای و ترویج وهابیت از مهم‌ترین تهدیدات فرهنگی عربستان علیه ایران هستند. عربستان سعودی در راستای ایران‌هراسی در منطقه کوشیده است با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های مختلف این هدف را پیگیری کند. برای

مثال، وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی آل سعود، کتابی با محتوی تفکرات ضد شیعی در مقاطع ابتدایی همه مدارس عربستان توزیع کرده است. این کتاب شیعیان را تکفیر کرده و آنها را زنگ خطری برای مسلمانان می‌داند (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). همچنین، وهابیت و سلفی‌های تکفیری که از سوی عربستان حمایت می‌شوند، با کافر دانستن شیعیان مهم‌ترین عامل بالقوه تهدیدکننده شیعیان در جهان اسلام محسوب می‌شوند. وهابیان شیعه را به عنوان یکی از مذاهب اسلامی نمی‌پذیرند و از نظر آنها، مفهوم تشیع گاه با مفاهیم کفر و شکر برابر است (سیدنژاد و سراج، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۱۸). پس به شهادت رساندن رهبران مذهبی شیعی در همین راستا قابل بررسی است. به عنوان نمونه، دادگاه جنایی عربستان «نمر باقر النمر» را به دلیل اقدام علیه امنیت ملی و محاربه، به اعدام با شمشیر و به صلیب کشیده شدن در انظار عمومی محکوم کرد که وی در دوم ژانویه ۲۰۱۶ اعدام شد (پایگاه اطلاع‌رسانی پیام آفتاب، ۲۶ مهرماه ۱۳۹۳).

در همین راستا، رسانه‌های برآمده از ایدئولوژی وهابیت به گونه‌ای غیر مستقیم همسو با اندیشه حکومتی سامان سیاسی عربستان سعودی است. نمود عینی تلاش‌های رسانه‌های عربستان ژرفابخشی و کوشش در راستای نمودیابی بیشتر شکاف‌های درونی جهان اسلام، بویژه میان تسنن و تشیع است (میردهقان و شوکتی مقرب، ۱۳۹۲: ۱۷۱-۱۷۰). همچنین، عربستان سعودی علاوه بر ترویج وهابیت در کشورهای غرب آسیا و شبه قاره هند، با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی و در پوشش رفتارهای حمایت‌گرانه در کشورهای تانزانیا، کنیا و اوگاندا و [کشورهای قاره آمریکای جنوبی] در پی تبلیغ این فرقه ضاله است (عرب‌احمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

### ۳-۶. کارکردهای الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات فرهنگی عربستان علیه

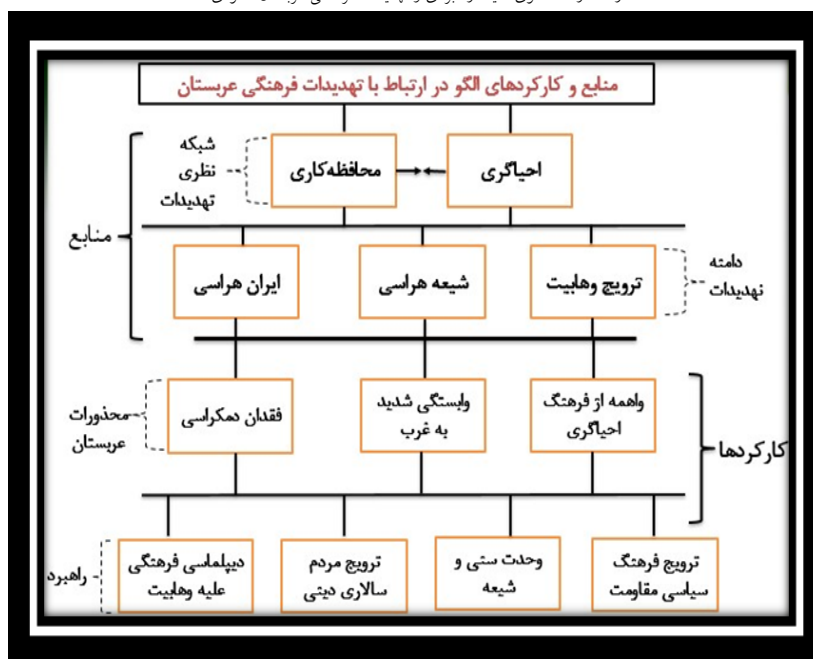
#### جمهوری اسلامی ایران

لذا مهم‌ترین راهکارهایی که برای کاهش تهدیدات فرهنگی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌گردد عبارتند از: (۱) بکارگیری دیپلماسی فرهنگی علیه

۱. این کتاب نوشته «حامد علی عبدالرحمن» با عنوان «بدهیات مسلمان: خطاب به تفکرات شیعی منتشر شده است.

وهابیت: در این چارچوب مهم‌ترین نهادهایی که می‌توانند تأثیر زیادی در این راستا از خود به جای بگذارند، وزارت فرهنگ و ارشاد و اسلامی و وزارت امور خارجه هستند؛ (۲) با عنایت به اینکه در ایران مراکز متعدد پژوهشی به طور مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با انقلاب اسلامی مشغول به فعالیت هستند؛ ضروری است فعالیت خود را در ارتباط با تهدیدات معنوی و مادی عربستان علیه انقلاب، گسترش داده و ترتیبات لازم جهت اشاعه بیشتر ارزش‌ها و اصول فرهنگی انقلاب را به کار گیرند؛ (۳) ترویج مردم‌سالاری دینی در سطح منطقه یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی است که بزرگترین لطمات فرهنگی و سیاسی را به عربستان سعودی وارد می‌کند؛ (۴) راهبرد فرهنگی حاکمیتی ایران باید تقویت وحدت بیش از پیش اهل تسنن و شیعه درون کشور و خارج از کشور باشد و (۵) ضرورت دارد نهادهای فرهنگی و سیاسی کشور سازمانی منطقه‌ای برای ترویج فرهنگ سیاسی مقاومت اسلامی به وجود آورند که یکی از مهم‌ترین وظایف آن ترویج مقاومت اسلامی در قبال فرهنگ غربی و مبارزه با افراط‌گرایی باشد.

نگاره شماره ۵. الگوی امنیت راهبردی و تهدیدات فرهنگی عربستان سعودی



منبع: نویسنده

## نتیجه‌گیری

بعد از انقلاب اسلامی، عربستان سعودی یکی از کشورهایی بوده است که بیشترین حجم از تهدید را علیه ایران در پیش گرفته است. اما محققان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل حوزه‌های مزبور را در قالب یک بافتار مشخص و منظم بررسی و تحلیل نموده‌اند. لذا محقق برای رفع این نقیصه، مبادرت به کاربست و پردازش الگوی امنیت راهبردی نموده است. نویسنده با در نظر داشت اصول و منابع الگوی امنیت راهبردی، چهار حوزه پرخطر (تهدیدات منطقه‌ای، اقتصادی، سایبری و فرهنگی) برای جمهوری اسلامی ایران از جانب عربستان سعودی را شناسایی کرده است. در حوزه تهدیدات منطقه‌ای، منابع الگوی امنیت راهبردی نشان می‌دهد که سیاست خارجی ایران ریشه در نظریه مقاومت اسلامی دارد. از سویی دامنه تهدیدات عربستان چارچوب نظام نومحافظه‌کاری، در سه حوزه مادی، نهادی و مولد، تضعیف قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا را دربرمی‌گیرد. بر این اساس، دو مورد از راهبردهای پیشنهادی بر اساس کارکردهای الگو عبارتند از: (۱) نهادهای ذیربط حاکمیتی بالاخص وزارت خارجه باید با مراکز علمی با توجه به تخصص آنها قرارداد همکاری بسته و سیاست خارجی عربستان را در کشورهای مختلف منطقه را تحلیل نموده و از مواد خام اطلاعات و نتایج آنها بررسی عملیاتی برد و (۲) در همین زمینه شایسته و بایسته است یک مرکز پژوهشی عربستان شناسی تأسیس گردد. لازم است دستاوردهای این مرکز پژوهشی نیز به طور مستقیم در نهادهای قدرت به کار بسته شود؛ (۳) جمهوری اسلامی ایران باید از قدرت رسانه‌ای خود مبنی بر اینکه راهبرد ایران نه فرقه‌گرایی بلکه وحدت شیع و سنی در جهان است، نهایت استفاده را برد. به طور دقیق در این ارتباط باید به طور مداوم مستند و فیلم‌های تلویزیونی تأثیرگذار به زبان‌های زنده دنیا تهیه گشته و یا میزگردهایی با همین محتوا تشکیل گشته و در شبکه‌های بین‌المللی متعلق به ایران مانند پرس تی وی و یا العام و یا رسانه‌های کشورهای مقاومت ضبط و پخش گردد؛ (۴) جمهوری اسلامی ایران باید پیوند بین اعضای محور مقاومت را بیش از پیش مستحکم‌تر نماید. به طور واضح، عراق پسا صدام، یکی از اعضای محور مقاومت است که در جنبش حشدالشعبی آن پیوستگی زیادی بین شیعیان و اهل تسنن



دیده می‌شود. حال آنکه ایران باید نقشی اساسی بین جنبش مقاومت در عراق و سایر جنبش‌ها و کشورهای مقاومت برقرار نموده و به طور مثال همکاری حشدالشعبی و حزب‌الله لبنان ترویج نماید. در وهله بعد جمهوری اسلامی می‌تواند این الگو را با جنبش‌ها و ملت‌هایی که غالباً اهل تسنن هستند، مانند جهاد اسلامی و حماس تسری دهد؛ (۵) جمهوری اسلامی ایران باید مبادرت به تأسیس سازمان‌های بین‌المللی بین کشورهای مقاومت و همچنین کشورهای مقاومت و کشورهایی که مستعداً پیوستن به محور مقاومت هستند (مانند افغانستان در منطقه و روسیه و چین در ورای منطقه)، نماید. اهداف و سازوکارهای چنین سازمان‌هایی باید ایجاد امنیت و صلح بین‌المللی باشد. همکاری‌های دفاعی و اقتصادی نیز می‌تواند یکی از محورهای اهداف این سازمان‌ها باشد. تحقق این امر مستلزم تلاش وزارت خارجه است؛ (۶) جمهوری اسلامی ایران باید حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تکفیری و تروریستی را در دنیای دیپلماسی سایبری برجسته نماید. در این زمینه مشخصاً سازمان‌هایی نظیر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و نهادهای وابسته با کمک وزارت خارجه می‌توانند نقش مهم و مؤثری ایفا نمایند؛ (۷) مقوله آزادی فلسطین باید در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی کشور و کشورهای محور مقاومت بازتولید گردد. در این ارتباط وزارت علوم تحقیقات و فناوری می‌تواند با ایجاد رشته دانشگاهی مطالعات فلسطین در یک یا چند دانشگاه کشور، بورسیه تحصیلی به دانشجویان کشورهای اسلامی اعطاء نماید. در زمینه سیاسی نهادهای سیاسی بالادستی مانند وزارت خارجه به طور مستمر باید در سازمان‌ها و ائتلاف‌های اسلامی، از ارتباطات عربستان سعودی و اسرائیل و عادی سازی آن در جهت گسست در جهان اسلام و فراموشی مسئله فلسطین بهره‌برداری کنند. جمهوری اسلامی ایران باید سازوکارهایی اقتصادی بیندیشد تا کشورهای محور مقاومت به جنبش مقاومت در فلسطین یاری رسانند؛ و (۸) جمهوری اسلامی ایران باید از طریق شورای حقوق بشر مبادرت به طرح شکایت علیه عربستان سعودی در زمینه کشتار مردم یمن، سرکوب مردم بحرین، تجهیز تروریسم، سرکوب اقلیت شیعه، نقض حقوق زنان، کارگران خارجی نموده و فرآیند و

دستاوردهای احتمالی آن را در سطح منطقه، تبدیل به الگو در قبال تخلفات حقوق بشری عربستان نماید.

در بخش تهدیدات اقتصادی، منابع الگوی امنیت راهبردی نشان می‌دهد که به تناسب اینکه اقتصاد عربستان در شیوه انباشت اقتصاد نظام نومحافظه‌کاری (پسا فوردیستی) ادغام شود، تهدیدات آن دامنه و حدت بیشتری پیدا خواهد نمود. در این زمینه نظام نومحافظه‌کاری نه تنها برای ادغام اقتصاد عربستان در شیوه انباشت پسا صنعتی مانع‌تراشی نمی‌کند؛ بلکه بواسطه نگرش‌های سیاسی مشترک با این کشور از طریق فرصت‌های جهانی شدن، بستر مناسبی برای عربستان در این مسیر فراهم آورده است. لذا نویسنده طبق کارکرد الگوی امنیت راهبردی در این زمینه پیشنهاداتی ارائه می‌نماید: (۱) تغییر در دیپلماسی انرژی کشور و بهره‌گیری از روابط سیاسی و تجاری بین کشورهای دوست، عدم تعهد و همسایه برای ائتلاف‌سازی و (۲) استفاده از ظرفیت‌های سیاسی کشور در مناسبات اقتصادی با کشورهای همسایه بالخصوص عراق جهت جلوگیری از کارشکنی‌های اقتصادی عربستان سعودی؛ (۳) بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی پسامدرن در عرصه دیپلماسی انرژی در مقابل عربستان که هزینه‌های آن به مراتب کمتر از دیپلماسی اقتصادی مدرن بالخصوص در حوزه دیپلماسی مجازی است؛ و (۴) ارتباط صنعت و دانشگاه و حاکمیت: ضروری است دانشگاه در حوزه علوم پایه و علوم انسانی بالخصوص رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی و روابط بین‌الملل از یک سو و صنعت و حاکمیت از سوی دیگر کارگروه‌های مشترک در زمینه شناسایی و کاهش تهدیدات اقتصادی عربستان تشکیل داده و مطابق با تحولات بین دو کشور به فعالیت پردازند.

در حوزه تهدیدات سایبری، بررسی منابع الگوی راهبردی حاکی از این است که عربستان و هم‌پیمانان نومحافظه‌کار این کشور سعی در امنیتی ساختن گفتمان سایبری ایران در زمینه‌های دفاعی، دانشگاهی، حقوق بشری و ... را دارند. لذا مهم‌ترین الزامات راهبردی پیشنهادی در قالب کارکرد الگو عبارتند از: (۱) تأکید بر اینکه دولت ایران با گروه‌های هکری سایبری هیچ‌گونه ارتباطی ندارد؛ (۲) انسجام و وحدت بیشتر نهادهای نظامی فعال در حوزه سایبر، بالخصوص در زمینه اعلام نهادها یا دولت‌هایی که



به تأسیسات ایران حمله سایبری می‌کنند و (۳) پیگیری حقوقی حمله‌های سایبری و ثبت شکایت در مجامع حقوقی بین‌المللی ذیربط.

نهایتاً در حوزه تهدیدات فرهنگی، منابع الگو نشان می‌دهد که عربستان راهبرد فرهنگی احیاگری اسلامی ایران را به دلیل سرایت امواج مردم‌سالاری به جامعه خود مورد هجمه قرار داده است که این هجمه از پشتیبانی نظام نومحافظه‌کاری برخوردار است. لذا الگو بر اساس کارکردهای خود راهبردهایی پیشنهاد می‌دهد که عبارتند از: (۱) بکارگیری دیپلماسی فرهنگی علیه وهابیت: واضح است که عربستان سعودی مهمترین حامی مالی و ایدئولوژیک ترویج وهابیت در دنیای اسلام است. از اینرو ضرورت دارد جهت کاهش تهدیدات مادی و معنوی وهابیت، دیپلماسی فرهنگی در تمامی عرصه‌ها علیه آن به کار گرفته شود. در این چارچوب مهم‌ترین نهادهایی که می‌توانند تأثیر زیادی در این راستا از خود به جای بگذارند، وزارت فرهنگ و ارشاد و اسلامی و وزارت امور خارجه هستند؛ (۲) ترویج مردم‌سالاری دینی در سطح منطقه یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی است که بزرگترین لطمات فرهنگی و سیاسی را به عربستان سعودی وارد می‌کند. مهمترین نهادهایی که در این زمینه می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند عبارتند از: وزارت خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجلس شورای اسلامی، سازمان صدا و سیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، خبرگزاری‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور؛ (۳) راهبرد فرهنگی حاکمیتی ایران باید تقویت وحدت بیش از پیش اهل تسنن و شیعه درون کشور و خارج از کشور باشد. در این زمینه ضرورت دارد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در مقابل اقدامات متعدد ایدئولوژیک عربستان سعودی مبادرت به بورسیه دانشجویان خارجی (نخبگان سنی و شیعی کشور و کشورهای جهان اسلام) در حوزه‌ها و دانشگاه‌های ایران نماید؛ (۴) ضرورت دارد نهادهای فرهنگی و سیاسی کشور سازمانی منطقه‌ای برای ترویج فرهنگ سیاسی مقاومت اسلامی به وجود آورند که یکی از مهم‌ترین وظایف آن ترویج مقاومت اسلامی در قبال فرهنگ غربی و مبارزه با افراط‌گرایی باشد؛ و (۵) در نهایت می‌توان از ظرفیت مناسب پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل کشور برای بازنمایی تخلفات غیر اسلامی، فرهنگی و

انسانی عربستان در سطح داخلی و بین‌المللی استفاده نمود. در این ارتباط ضرورت دارد تا دانشگاه‌های دفاعی کشور مانند دانشگاه عالی دفاع ملی از رساله‌ها و پایان‌نامه مقاطع تحصیلات تکمیلی حمایت مالی به عمل آورند. ثمرات این اقدام می‌تواند از اعتبار بین‌المللی عربستان در منظر افکار عمومی جهانی و سازمان‌های بین‌المللی بیش از پیش بکاهد.

### منابع

#### الف) فارسی

ابراهیمی، شهرز؛ ستوده، علی اصغر و شیخون، احسان (۱۳۸۹)، «رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی»، **دانش سیاسی**، سال ۶، شماره ۲، صص ۴۲-۵.

ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۳)، «بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۷، شماره ۴، صص ۳۰-۷.

افتخاری، اصغر (۱۳۹۴)، «الزامات راهبردی انقلاب اسلامی برای علم سیاست»، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۵۰-۳۹.

افتخاری، اصغر و صدقی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «گذار از علوم امنیتی سکولار به نظریه امنیت شریعتمدار»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال ۹، شماره ۳۲، صص ۳۳-۵.

اقارب‌پرست، محمدرضا و شجاعی، محمدمیلاد (۱۳۹۵)، «هم‌سنجی امنیت با عیار نئورئالیسم و پست‌مدرنیسم»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۲۷، صص ۱۶۰-۱۳۵.

آجرلو، حسین و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، «تحلیل راهبردی تحقق آرمان فلسطین در پرتوی بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال افریقا»، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۱۰-۸۳.



آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۹-۱.

آل سیدغفور، سیدمحسن؛ کاظمی، احسان و موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، «تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۹، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۴۵.

برزگر، ابراهیم و حسینی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۳، صص ۱۸۷-۱۷۳.

بشیری، حسین (۱۳۸۴)، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، از محافظه‌کاری تا هرمنوتیک و پست‌مدرنیسم، تهران: انتشارات نی.

بیات، جلیل و اسلامی، محسن (بی‌تا)، «ایران - عربستان؛ طرح الگوی تنش زدایی با محوریت مناقشات منطقه‌ای»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، مقالات آماده انتشار.

پورحسن، ناصر (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی ۲۰۱۷-۲۰۱۵»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ۸، شماره ۴، صص ۴۶-۲۷.

پوستین‌چی، زهره و متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۹-۹۷.

پولادی، کمال (۱۳۸۳)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (قرن بیستم)، تهران: نشر مرکز.

تریف، تری و همکاران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جمالزاده، ناصر (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال ۱، شماره ۴، صص ۸۶-۶۱.

حافظنیا، محمدرضا؛ احمدی پور، زهرا و بویه، چمران (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال ۲، شماره ۵، صص ۲۳-۱.

حمزه پور، علی (۱۳۹۳)، «روش شناسی در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۸۳-۵۷.

خضری، احسان؛ صفوی، سیدحمزه و پرهیزکار، امین (۱۳۹۴)، «ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان (مطالعه‌ی موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن)»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۲۰۷-۱۷۹.

داوند، محمد و موسوی شفقانی، سیدمسعود (۱۳۹۶)، «تأثیر دیپلماسی اقتصادی پسامدرن بر تحقق اهداف اقتصاد داخلی ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۱۳-۹۳.

درخشه، جلال و محمدی، علیرضا (۱۳۹۱)، «بررسی تکلیف‌گرایی دینی انقلاب اسلامی ایران بر مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۴۶-۲۲۱.

دهشیری، محمدرضا و حسینی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۵)، «ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ۸، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۱۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، «چگونگی و چستی نظریه اسلامی روابط بین الملل»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۱۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و قریشی، یوسف (۱۳۹۱)، «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۴۲-۷.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۸۹)، «مبانی بینادهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۱۱۴-۸۵.

رضاپور، حسین (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۷، صص ۱۵۸-۱۴۱.

رهبر، عباسعلی؛ نجات‌پور، مجید و موسوی‌نژاد، مجتبی (۱۳۹۴)، «قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۴، شماره ۴۴، صص ۳۹-۹.

زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۰، شماره ۳۸.

ستوده، علی اصغر و خزائی، جعفر (۱۳۹۵)، «ماهیت فرقه‌گرایی جدید عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حبل‌المتین، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۸۶-۶۶.

سعیدآبادی، محمدرضا و محروق، فاطمه (۱۳۹۲)، «راهبرد امنیت ملی چین: تداوم و تغییر امنیتی سازی و امنیتی زدایی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۹، صص ۱۴۷-۱۱۱.

سیدنژاد، سیدعلی و سراج، رضا (۱۳۹۱)، «نقش عوامل ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در ارائه الگوی سیاسی به شیعیان جهان»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۳، شماره ۹۱، صص ۱۳۰-۹۷.

سیمبر، رضا، موسوی، سید نظام‌الدین و قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش‌های مردمی در جهان عرب»، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۱۷-۱.

شفیعی، نوذر و قلیچ‌خانی، غلامرضا (۱۳۸۹)، «تبیین تأثیر رادیکالیسم اسلامی بر روابط ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۴۲، صص ۱۵۸-۱۲۷.

طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۸)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌الملل» در بازخوانی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی، قم: جامعه المصطفی العالمیه.

عبدوس، حامد (۱۳۸۶)، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عرب‌احمدی (۱۳۹۱)، «سیاست‌های مداخله جویانه عربستان سعودی در کنیا، تانزانیا و اوگاندا»، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۱، شماره ۳، صص ۱۲۳-۱۰۱.

غرایق زندی، داود (۱۳۹۴)، «مبانی انسان‌شناختی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۸، شماره ۲۶، صص ۶۱-۴۱.

قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲)، «نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۱، شماره ۸۲، صص ۲۴۸-۱۹۱.

قیصری، نوراله (۱۳۹۳)، «مکاتب امنیتی: نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۵۵-۲۷.

لک زایی، نجف (۱۳۹۰)، «فقه و امنیت»، فصلنامه کاوشی نو در فقه، دوره ۱۸، شماره ۷۰، صص ۸۶-۴۵.

متقی، افشین (۱۳۹۴)، «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۱۶۱-۱۴۱.

معظمی، منصور و سرعتی آشتیانی، معظمه (۱۳۹۱)، «راهبردهای مقابله با اثرات تحریم بر صنعت نفت ایران با تأکید بر توسعه همکاری‌های دانشگاه و صنعت»، فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، سال ۱، شماره ۱، صص ۳۸-۲۹.

معین‌آبادی، حسین و روح‌الله، سبزی (۱۳۹۴)، «تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق بر اساس نظریه پخش»، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۷۰-۴۷.

۲۶۰



سیاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، پیاپی ۳۰



مومنی، اسکندر و عساریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۹)، «واقع‌گرایی امنیت در عصر جهانی شدن»، **فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی**، سال ۱۱، شماره ۱۱۲، صص ۲۱۶-۱۸۷.

میردهقان، مهین‌ناز و سمیه، شوکتی مقرب (۱۳۹۲)، «گفتمان پنهان، قدرت و رسانه در خاورمیانه عربی (مطالعه موردی: عربستان سعودی)»، **فصلنامه مطالعات جهان**، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۸۰-۱۴۵.

میرزایی، جلال و داوند، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل عملکرد سازمان عفو بین الملل در ارتباط با رصد وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۸۸-۷۱.

مهدی‌زاده، اکبر (۱۳۸۲)، «بررسی سیاست خارجی و رفتار عربستان در قبال جنگ ایران و عراق» **فصلنامه نگین ایران**، شماره ۴، صص ۴۰-۳۲.

نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۴، شماره ۴، صص ۱۳۴-۱۰۵.

نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۶)، «عربستان سعودی و تلاش برای موازنه‌سازی مجدد در برابر ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۲۰، شماره ۱، صص ۳۲-۷.

نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۴)، «مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال ۸، شماره ۲۶، صص ۱۵۳-۱۳۵.

نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۱)، **دست در دست صبح، انقلاب اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها**، دفتر نشر معارف.

نیاکوئی، امیر و ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴)، «ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق»، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۱۱۰-۹۵.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۱)، «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۳۸، صص ۷۵۰-۷۲۵.

یزدانی، عنایت‌الله و خدابنده، محمد (۱۳۹۰)، «امنیت در عصر پسامدرن»، فصلنامه  
رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۵، صص ۲۰۰-۱۶۳.

(ب) انگلیسی

- Agnew, J. (2001), The new global economy: time-space compression, geopolitics, and global uneven development. *journal of world-systems research*, 7(2), 133-154.
- Aitel, Dave. (2015), *Iran is Emerging as One of the Most Dangerous Cyber Threats to the US. US: Military and Defence*.  
<http://www.businessinsider.com/iran-is-emerging-as-one-of-the-most-dangerous-cyber-threats-to-the-us-2015-12>
- Al-Filali, I. Y., & Gallarotti, G. M. (2012), Smart Development Saudi Arabia's Quest for a Knowledge Economy. *International Studies*, 49 (1-2), 47-76.
- Alshabri, N., Khalfan, M., Noor, M. A., Dutta, D., Zhang, K., & Maqsood, T. (2015), "Employees' turnover, knowledge management and human recourse management: a case of Nitaqat program". *International Journal of Social Science and Humanity*, 5(8), 701-706.
- Alsodais, Sami. (2013), "Science, Technology & Innovation in Saudi Arabia". *WIPO Magazine*. Saudi Patent Office, King Abdulaziz City for Science and Technology (KACST), 23-26.
- Balzacq, T., Léonard, S., & Ruzicka, J. (2016), "Securitization revisited: Theory and cases". *International Relations*, 30(4), 494-531.
- Barnett, Michael and Duvall, Raymond, (2005), "Power in International Politics", *International Organization*, pp, 39-57.
- Bashehab, O. S., & Buddhapriya, S. (2013), "Status of knowledge based economy in the Kingdom of Saudi Arabia: An analysis". *Journal of Social and Development Sciences*, 4 (6), 268. 278.
- Berenskoetter, Felix, (2007), "Thinking about power", in *Power in World Politics*, Edited by Berenskoetter, Felix and Williams, M.J. published in the USA and Canada by Routledge.
- Berman, I. (2013), The Iranian Cyber Threat, Revisited. *Statement before the US House of Representatives Committee on Homeland Security Subcommittee on Cybersecurity, Infrastructure Protection, and Security Technologies*, 2.
- Berti, B., & Guzansky, Y. (2014), Saudi Arabia's Foreign Policy on Iran and the Proxy War in Syria: Toward a New Chapter?. *Israel Journal of Foreign Affairs*, 8(3), 25-34.
- Bin Huwaidin, Mohamed, (2015), "The Security Dilemma in Saudi-Iranian Relations", *Review of History and Political Science*, Vol. 3, No. 2, pp. 69-79.
- Cilluffo, F. J. (2013), Cyber Threats from China, Russia and Iran: Protecting American Critical Infrastructure. *Testimony before the US House of*

- Representatives, Committee on Homeland Security Subcommittee on Cybersecurity, Infrastructure Protection, and Security Technologies.*
- Ciolan, I. M. (2014), "Defining Cybersecurity as the Security Issue of the Twenty First Century. A Constructivist Approach". *Revista de Administratie Publica si Politici Sociale*, 12(1), 120-136.
- Debnath, S. C. (2015), *Creating the Knowledge-based Economy in Kingdom of Saudi Arabia to Solve the Current Unemployment Crisis*. 1-20.
- Eisenstadt, M. (2016), *Iran's Lengthening Cyber Shadow*. Research Note 34 (Washington DC: Washington Institute).
- Eriksson, J., & Giacomello, G. (2007), The information revolution, security, and international relations: (IR) relevant theory?. *International political science review*, 27(3), 221-244.
- Esping-Andersen, G. (1992), *Post-industrial class structures: an analytical framework*. Instituto Juan March de estudios e investigaciones.
- Etheridge, J. (2002), Desert Mirage: Saudi Arabian Debt and Political Instability", *Political Economy of the Middle East Prof. Clement Henry*. 1-22.
- Fars News Agency. (2016), *Cyber Police Chief: Attacks on Iranian Gov't Website Led by Saudi Hackers*. Tehran. <http://en.farsnews.com/newstext.aspx?nn=13950309001116>
- Ferkiss, V. (1979), "Post-Industrial Society: Theory, Myth, Ideology", *The Political Science Review*, IX forthcoming, 61-102.
- Frontera, (2016), "Cybersecurity in Saudi Arabia Calls for Clear Strategies". <https://fronteranews.com/news/mena/cybersecurity-in-saudi-arabia/>
- Gartman, D. (1998), "Postmodernism or the Cultural Logic of Post-Fordism?", *The Sociological Quarterly*, 39 (1), 119-137.
- Gause III, F. G. (2014), Beyond sectarianism: The new Middle East cold war. *Brookings Doha Center Analysis Paper*, 11, 1-27.
- Gili. (2015), *The Iranian-Saudi Conflict and Its Cyber Outlet*. Recorded Future. <https://www.recordedfuture.com/iranian-saudi-cyber-conflict/>
- Global Edge. (2017), *Saudi Arabia: Trade. Statistics your source for global business knowledge*. Home, Global Insights, By Country, Saudi Arabia, Trade Statistics.
- Greaves, S. (2008), Strategic Security as a New Academic Discipline. *Journal of Strategic security*, 1(1), 7, pp. 7-20.
- Grumet, T. R. (2015), *New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry*. A Thesis Presented to the Faculty of the Joseph Korbel School of International Studies University of Denver.
- Hansen, L., & Nissenbaum, H. (2009), "Digital disaster, cyber security, and the Copenhagen School". *International studies quarterly*, 53(4), 1155-1175.
- International Trade Administration. (2016), 2016 Top Markets Report Automotive Parts Country Case Study: Saudi Arabia. U.S. Department of Commerce, *2016 ITA Automotive Parts Top Markets Report*.

- Jaaner, Ariel. (2012), "Saudi Arabia and Iran: the Struggle for Power and Influence in the Gulf", *International Affairs Review*, Vol. XX, No. 3, pp. 39-50.
- Jeddah Chamber of Commerce and Industry. (2016), *Saudi Arabia – Industrial Sector Overview Report*.
- Jones, Sam. (2016), Cyber warfare: Iran opens a new front. *UK: Financial Times*. <https://www.ft.com/content/15e1acf0-0a47-11e6-b0f1-61f222853ff3>
- Kagan, F. W., & Stiansen, T. (2015), *The Growing Cyberthreat from Iran: The Initial Report of Project Pistachio Harvest*. American Enterprise Institute.
- Khorsheed, M. S. (2015), "Saudi Arabia: From Oil Kingdom to Knowledge-Based Economy". *Middle East Policy*, 22(3), p, 147-157.
- Kouzehgar Kaleji, Vali,(2012), "Ups and Downs in Iran-Pakistan Ties", *Iranian review of Foreign Affairs*, Vol. 2, No. 4, pp, 141-178.
- Lewis, J. A. (2014), *Cybersecurity and Stability in the Gulf*. Center for Strategic and International Studies.
- Linnemann, H. & Lacroix, S. (2015), *Politics and Business in Saudi Arabia: Characteristics of an Interplay*. Political Sociology of the State in the Contemporary Arab World.
- Mäkinen, K. (2005), *Strategic security. A Constructivist Investigation of Critical Security and Strategic Organisational Learning Issues: Towards a Theory of Security Development*, Finnish National Defence College, Department of Education Research Centre for Action Competence, Identity, and Ethics ACIE.
- Martorell, B. E. (2012), *Oil, politics, society and the state in the middle east: Enduring authoritarianism in Iran and Saudi Arabia*.
- McKinsey Global Institute (MGI). (2015), *Saudi Arabia Beyond Oil the Investment and Productivity Transformation*.
- Muller, J. Z. (2013), Capitalism and inequality: What the right and the left get wrong. *Foreign Affairs*, 92, 30.
- National Strategy for Transformation into Knowledge Society*. (2012), transformation of the kingdom into knowledge Society Knowledge-Based Economy.
- Norton-Taylor, Richard. (22 February 2016), *Saudi Arabia leads surge in arms imports by Middle East states*, The Guardian.
- Only 6% KSA engineers are Saudi*. *Arab News*. (20 September 2014), the Middle East's Leading English Language Daily.
- Oxford Business Group. (2017), *Enhancing Saudi Arabia's cybersecurity readiness*. UK. <https://www.oxfordbusinessgroup.com/analysis/front-lines-enhancing-kingdom%E2%80%99s-cybersecurity-readiness>
- Robinson, W. I. (2004), *A theory of global capitalism: Production, class, and state in a transnational world*. JHU Press.



- Salem, M. I. (2014), "The role of universities in building a knowledge-based economy in Saudi Arabia". *The International Business & Economics Research Journal* (Online), 13(5), 1047-1056.
- Security Council, (2016), *Reducing tensions between Saudi Arabia and Iran*, Haganum Model United Nations, Student Officer: Noortje van Randwijk, Position: Deputy President.
- Sharma, Anu, (2016), *Severed Ties Between Iran and Saudi Arabia: A Cold War or a Proxy War of Narratives, Influence and Power*, New Delhi: Forum for National Security Studies.
- Siboni, G., & Kronenfeld, S. a (2012), "Iran's Cyber Warfare". *Institute for National Security Studies Insight*, (375), 3.
- Siboni, G., & Kronenfeld, S. b (2012), "Iran and Cyberspace Warfare". *Military and Strategic Affairs*, 4(3), 86-91.
- Sivramkrishna, S. (2016), Can a country really go broke? Deconstructing Saudi Arabia's macroeconomic crisis. *real-world economics review*, 75. Stiftung, Verlag Bertelsmann. (2016), *BTI, Saudi Arabia Country Report*.
- Syeed, Nafeesa. (13 June 2016), *Saudi Arabia's Weapons Imports Lead Surge in Global Arms Sales*. Bloomberg.
- Taha, Sharif M. (20 April 2014), "Kingdom imports 80% of food products", Arab News, <http://www.arabnews.com/news/558271>
- Traboulsi, Karim. (2016), "Is Iran behind cyber attacks on Saudi Arabia?". <https://www.alaraby.co.uk/english/indepth/2016/12/3/is-iran-behind-cyber-attacks-on-saudi-arabia>
- Waldman, P. (2016), "The \$2 Trillion Project to Get Saudi Arabia's Economy Off Oil". The Bloomberg Business Week.
- Wehrey, Frederic, W. Karasik, Theodore, Nader, Alireza and Others, (2009), Saudi-Iranian Relations Since the Fall of Saddam Rivalry, Cooperation, and Implications for U.S. Policy, *Rand: National Security Research Division*.
- Yamada, M. (2015), Saudi Arabia's Look-East Diplomacy: Ten Years On. *Middle East Policy*, 22(4), 121-139.

### ج) خبری و تحلیلی

- «اکونومیست: «آیت‌الله شیخ نمر باقر النمر» به دلیل دفاع از حقوق شیعه و سنی در زندان سعودی است»، پایگاه اطلاع رسانی پیام آفتاب، (۱۳۹۳/۰۷/۲۶)، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۵/۰۱/۰۳).
- «توطئه مشترک تجاری علیه ایران»، روزنامه تعادل، (۱۳۹۶/۰۸/۱۴)، کدخبر: ۱۱۰۵۰۹.
- «سوء استفاده عربستان از تصمیم ترامپ؛ کمبود نفت بازار را تامین می‌کنیم»، خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۷/۰۲/۱۹)، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۷/۰۲/۲۸).

- «طرح عربستان به نفع ایران است»، خبرگزاری فرارو، (۱۳۹۵/۰۳/۰۹)، کد خبر: ۲۷۴۴۷۱، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲).
- «عربستان مشوق عادی سازی روابط اعراب با اسرائیل خواهد بود»، خبرگزاری فارس، (۱۳۹۵/۰۳/۱۶)، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵).
- قدمت چندساله جنگ سایبری ایران و عربستان، (۱۳۹۵/۰۳/۱۰)، تهران: خبرگزاری مشرق، کد مطلب: ۵۸۱۴۱۶، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹).
- «مأموریت سعودی علیه برجام»، روزنامه دنیای اقتصاد، (۱۳۹۵/۰۶/۰۸)، شماره روزنامه: ۳۸۵۰، شماره خبر: ۱۰۶۶۵۹۴.
- «هفت کشور اصلی حامی "داعش" از نگاه روزنامه غربی»، خبرگزاری العالم، (۱۳۹۴/۰۸/۳۰)، (زمان دسترسی به تارنما: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷).